

## وجوب اعتبار الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دو چالش بزرگ

### اقتصاد سرمایه داری

عبدالمجید شیخی<sup>۱</sup>، مجتبی پالوج<sup>۲</sup>، مصطفی شیخی<sup>۳</sup>، شهلا مولوی<sup>۴</sup>

#### چکیده

وقوع بحران اقتصادی در اقتصاد سرمایه داری و غرب هر چند پدیده جدیدی در قرن گذشته نیست؛ ولی با مجموع هنجارهای فکری و انتظارات شکل گرفته ناشی از تبلیغات غربی ها درباره موفقیت و الگو بودن اقتصاد سرمایه داری، به ویژه در مقابله و رقابت با اقتصاد بلوک شرق، تا حدودی غیر قابل انتظار تلقی می‌گردید. در این مقاله با روش استدلال کلی منطق پس از ارائه تعریفی از مفاهیم بخش حقیقی و غیر حقیقی اقتصاد و استناد به دو مقدمه بطور خلاصه به بحث و نتیجه گیری در دو چالش بزرگ تمدن غرب و اقتصاد سرمایه داری پرداخته می‌شود: یکی "پیری جمعیت و تبعات مختلف آن" و دیگری عارضه «تناقض توسعه» است که افول بضاعت علمی و فناوری را در دراز مدت به دنبال دارد زیرا با افزایش سن جمعیت نیروی فکری گروه سنی جوان در جمعیت رو به کاهش می‌رود. معضل دیگر بزرگ شدن بخش مجازی و حباب شدن بخش مالی و پولی است که مرزهای بخش حقیقی اقتصاد را درنور دیده و دنیای غرب را به سراشیبی سقوط انداخته است. پدیده بحران مالی و اقتصادی ناشی از ربوی بودن فعالیت های پولی و مالی، متورم شدن بخش غیر حقیقی، رها سازی مدیریت اقتصاد و تناقضات درونی نظام اقتصاد سرمایه داری است. در مقام مقایسه با وضعیت مطلوب، در الگوی اقتصاد اسلامی که بر اساس موازین شرعی و عقلی ارایه می‌شود توصیه می‌شود برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر جوان تر شدن متغیر متوسط سنی تاکید و برنامه ریزی شود و همچنین با اتکاء به الگوی اقتصاد اسلامی در تمام معادلات رفتاری حتی فعالیت های شبه ربا و شبهه ناک حذف و از بزرگ شدن لایه غیر حقیقی در اقتصاد کشور اجتناب شود.

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه [amshaikhi@yahoo.com](mailto:amshaikhi@yahoo.com)

<sup>۲</sup> پژوهشگر و عضو هیئت علمی موسسه پژوهش های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و تحقیقات روستایی

<sup>۳</sup> پژوهشگر و دانشجوی کارشناسی

<sup>۴</sup> پژوهشگر و کارشناس ارشد فقه و حقوق

واژگان کلیدی: تناقض توسعه ای، پیری جمعیت، الگوی اقتصاد اسلامی، بحران اقتصاد سرمایه داری

#### ۱- مقدمه

۱۱ دیماه ۱۳۶۷ هجری شمسی سالروز صدور نامه تاریخی حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) بنیانگذار جمهوری اسلامی به میخائیل گورباچف رهبر کشور اتحاد جماهیر شوروی است. امام در بخشی از آن پیام خطاب به گورباچف فرمودند: «... باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهند کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.» در بخش دیگری می‌فرمایند: «شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.» و در بخش دیگر اکیدا می‌فرمایند: «امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید...» پیش بینی آن یگانه دوران و یادگار امامان هم اکنون در حال وقوع است و انشاء الله به زودی باید شاهد شکسته شدن کامل استخوانهای نظام پوسیده اقتصاد لیبرالیسم غرب باشیم. مقام معظم رهبری نیز در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ نیز پیش بینی نمودند که به زودی بیداری انسانی به درون جوامع غرب کشیده خواهد شد و چه خوب این مکاشفه و بصیرت اجتماعی ایشان به حقیقت پیوست. اقتصاد سرمایه داری در چند دهه گذشته دچار فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. بخصوص در دهه ۱۹۳۰ و دهه ۱۹۷۰ و به همین دلیل مرتباً به انفعال افتاده و تحت تاثیر بحران‌های مبتلا به خود نحله‌های فکری متفاوتی را تجربه کرده که به نحو به تفسیر و توجیه معضلات پرداخته و برای حل آنها نسخه درمانی پیچیده اند. در دهه ۱۹۳۰ نحله کلاسیک‌ها جای خود را به نحله کینزین‌ها می‌دهد. در دهه ۱۹۷۰ نحله پولگرایان جدید و

در راس آنها میل‌تون فریدمن به نظریه مسلط در تحلیل پدیده تورم در محافل آکادمیک اقتصاد مبدل می‌گردد مجدداً در دهه ۱۹۸۰ مکتب شیکاگو با نظریات متفکران جدیدتر خود از جمله نظریه انتظارات عقلایی پا به عرصه می‌گذارد و اعتقاد به عدم مداخله دولت دارد و الخ. در طول چند دهه گذشته افکار (فرانزیه) نئو کلاسیکی با رویکرد نهایی‌گرایی (مارجینال) در جای جای ادبیات علم اقتصاد جای داشته و دارد. آنچه در عمل در حداقل سه دهه گذشته مشاهده شده و فراتر از ادبیات علم اقتصاد جامعه غرب را سمت و سو داده و هسته فکری مرکزی اداره کشورهای پیشرفته در این مجموعه بوده و امروزه پدیده‌ای بنام «اقتصاد سرمایه داری» شناخته می‌شود ملقمه‌ای از چهارمکتب کلاسیک، شیکاگو، مکتب پولیون و کلاسیک‌های جدید با عمل به فرامین ذیل است:-- نظام حاکم بر بازار و عملکرد قیمت‌ها قادر خواهد بود تعادل عمومی اقتصاد را ایجاد نماید- تأکید بر نفع شخصی و عدم دخالت دولت در اقتصاد (برگرفته از مکتب کلاسیک قرن نوزده)- پول یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار اقتصادی است- سیاست‌های مداخله‌گرایانه دولت تنها موجب وخامت امور اقتصادی می‌شود. اقتصاد بازار آزاد به طور ذاتی باثبات و بحران‌های اقتصادی کوتاه مدت و زود گذر است. (برگرفته از مکتب میل‌تون فریدمن یعنی پولیون) - مردم در برخورد با وقایع اقتصادی از تمام اطلاعات موجود و قابل دسترس (انتظارات عقلایی) استفاده می‌کنند. بنابر این سیاست‌های دولت خنثی می‌شود. برگرفته از مکتب کلاسیک‌های جدید، - منشا تمام مشکلات مداخله دولت در اقتصاد است (بر گرفته از مکتب شیکاگو) وقوع حادثه بحران مالی سال ۲۰۰۸ شرایط جدیدی را برای اقتصاد سرمایه داری ایجاد کرده است. چندین قرن از غارت‌گری غربی‌ها در کشورهای در حال توسعه می‌گذرد. سلطه فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و غارت اموال ملل مختلف و ایران به انحای مختلفی صورت گرفته است. سلطه بر بازار پول (چون رواج پول آنها به صورت ارز بین المللی)، سلطه بر بازارهای مالی (که تسری بحران مالی و روابط نامشروع ربوی به تمام کشورها نمادی از این غارت‌گری است)، سلطه بر بازار کالاها و خدمات (و حاکمیت علائم تجاری و برند‌های آنها که نمادی دیگر از این غارت‌گری است)، سلطه بر الگوی مصرف (وارداتی کردن الگوی مصرف کشورهای که با کمک ریشه‌کنی فرهنگی بومی کشورهای صورت گرفت)، سلطه بر بازار سرمایه که به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۸ اقتصاد جنوب شرقی آسیا را

ویران نمودند<sup>۵</sup> و انواع دیگر سلطه...یکی دیگر از اقدامات اینان تمرکز دادن جریان های سود باد آورده در درون نظام خودشان همین مجمع جهانی اقتصاد در محل داووس کشور سوئیس است.. این مجمع در سال ۱۹۷۱ میلادی ایجاد شده است. از دیدگاه موسسین و حامیان غربی آنها مکانی بزرگ و مهم برای گفتمان در باره مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است. ولی از دیدگاه منتقدان این مجمع تنها یک مجمع تجاری برای مرفه ترین تجار جهانی بزرگ است که در سال مالی بیش از ۱۰ هزار میلیارد دلار و درآمدی بیش از یک میلیارد دلار دارند. در آمد مستقیم این مجمع نیز از ۳ منبع تامین می شود که در سال ۲۰۰۶ به ترتیب ۲۵، ۲۶ و ۴۳ درصد آن از حق عضویت شرکت های چند ملیتی و بزرگ غربی، هزینه شرکت در این مجمع از سوی مدعوین و هزینه شرکت در تمامی جلسات داخلی مجمع تامین شده است. لذا پر واضح است که این گردهمایی همانند انواع

<sup>۵</sup> - ما اکنون رشد ۸ درصد داریم و باید بتوانیم در سال ۲۰۲۰ کشور توسعه یافته ای بشویم. البته مشکلات ناشی از خارج هم داریم که مهمترین آن بحران مالی ۱۹۹۷-۹۸ بود که در بازار ارز ما به وجود آمد و ناگهان فقیر شدیم اما توانستیم با غلبه بر آن به رشد خود ادامه دهیم. ...در پی بحران مالی سال های ۱۹۹۷-۹۸ بسیاری از شرکت ها ورشکست شدند. برخی دوباره دولتی شدند و برخی مانند خطوط هوایی دوباره تجدید ساختار کردند و ضررها جبران شد. (بخشی از سخنرانی دکتر ماهاتیر محمد در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان-در همایش «چشم انداز توسعه تعاون» در روز سه شنبه ۲۸ شهریور سال ۱۳۸۵- به نقل از

سایت <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1207018> و روزنامه رسالت و ابرار اقتصادی)

- استیگلیتز در این باره در کتاب خود می نویسد: « برای ناظران در ایالات متحده و اروپا، نجات شرق آسیا در ۱۹۹۷ موفقیت بود زیرا ایالات متحده و اروپا آسیب ندیده بودند. برای آنانی در منطقه که می دیدند اقتصادهایشان ویران شده، رویاهای شان بر باد رفته، شرکت های شان ورشکست شده و به کشورهای شان میلیارد ها بدهی تحمیل شده است، نجات مالی شکست نومیدکننده ای بود. برای منتقدان، سیاست های صندوق بین المللی پول و خزانه داری امریکا وضعیت را وخیم تر ساخته بود...» « آیا عملکردهای صندوق بین المللی پول و خزانه داری امریکا سقوط را طولانی تر و ژرف تر کرد یا آن را کوتاه تر ساخت و از عمق آن کاست؟

برای من، پاسخ روشنی وجود دارد: نرخ های بهره ی بالا و کاهش هزینه ها که صندوق بین المللی پول و خزانه داری امریکا تحمیل کردند - درست مخالف سیاست هایی که امریکا و اروپا در بحران جاری (۲۰۰۸) دنبال کردند - وضعیت را بدتر ساخت. کشورهای شرق آسیا سرانجام بهبود یافتند، اما نه به خاطر این سیاست ها.

به همین ترتیب، بسیاری که گسترش طولانی اقتصاد جهانی در دوران مقررات زدایی را مشاهده کردند نتیجه گرفتند که بازارهای بی قیدوبند موثر است - مقررات زدایی امکان پذیر ساخته که این رشد بالا استمرار داشته باشد. واقعیت کاملاً متفاوت بود. سخن کوتاه، رشد بر کوهی از بدهی مبتنی بود، بنیادهای این رشد شکننده بود. بانک های غربی به کرات از طریق نجات های مالی از نابخردی های روش های وام دهی شان نجات یافته اند - نه تنها در تایلند، کره و اندونزی که در مکزیک، برزیل، آرژانتین، روسیه،... این فهرست کم و بیش بی پایان است.»

دیگر غارت‌گری مانند دامی پهن شده برای شکار بیشتر منافع مترفین صهیونیست جهانی است. بهانه‌ای برای منفعت‌طلبی بنگاه‌های بزرگ جهانی اقتصاد که بازار جهانی را در قبضه خود دارند و محفلی برای چانه‌زنی جذب مشتری و فشار بر رجال سیاسی و جلب نظر آنها برای معامله بیشتر و فتح دروازه‌های بازارهای کشورهای با روی صادرات انواع کالاها و خدمات آنها و هضم کردن اقتصاد آنها در امواج سلطه اقتصادی غرب است و نهایتاً در راستای سیطره همه جانبه و ترویج سیاست غرب و ایجاد دهکده جهانی است. هیئت رئیسه این مجمع ۲۰ نفر است که همه اروپایی و آمریکایی و از جمله (در سال ۲۰۰۹) آنها رئیس جمهور وقت آمریکا و نخست وزیر وقت انگلیس (جرج دلبیو بوش و تونی بلر) بوده‌اند. برای جلب هرچه بیشتر سود این مجمع هر ساله بهانه‌ای به عنوان دستور کار پیدا می‌کند. « قدرت خلاقیت مشارکتی در جهان » در سال ۲۰۰۸ در دستور کار این مجمع بود آنچه عملاً در این اجلاس اتفاق افتاد ژست بزرگی از توجیه و دفاع از موفقیت اقتصاد سرمایه داری و قیافه حق به جانب‌گیری از مبانی اقتصاد سرمایه داری و دعوت دیگران به این مدل بود. وقوع بحران مالی بزرگ در اواخر سال ۲۰۰۸ به یکباره باعث یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در دستور کار مجمع شد لذا در ۲۰۰۹ دستور کار از ژست موفقیت و جشن متکبرانه به « بررسی بحران مالی و بهبود اوضاع مالی و اقتصادی جهان از طریق بازسازی و تجدید نظر در سیاست‌های پیشین! » تبدیل شد که پس از فروپاشی ایدئولوژی کمونیسم باید به عنوان بزرگترین حادثه اقتصادی سیاسی قرن از آن یاد نمود یعنی وقوع دومین شکست و فروپاشی در تمدن مسخ شده از موازین الهی «ایدئولوژی سود جوینانه سرمایه داری» بود که به خوبی توسط حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) پیش بینی شده بود. نتیجه برخی نظر سنجی‌ها از این قرار است که در این مجمع: - پیشنهادها غیر منسجم و متضاد بود- ناموفق بود- صاحبان صنایع و تجار بزرگ توجیه‌گر وضع موجود بودند- اقتصاد دانان بر خلاف الگوی آزاد سازی اقتصاد سرمایه داری اظهار می‌داشتند که بانکها باید دولتی شوند- سیاست مداران فقط به همدیگر تسلی خاطر می‌دادند!!<sup>۶</sup> این بحران اقتصادی بزرگ نیز دستور کار سال ۲۰۱۰ را نیز تحت شعاع خود قرار داد از جمله دستور کار: - راههای پایه

<sup>۶</sup> - به عنوان نمونه به نقل از [www.mondovisione.com](http://www.mondovisione.com) منبع

بود : <http://iranbourse.com/newspage.aspx?Nid=1836> با عنوان « مجمع جهانی اقتصاد سال : 2009 مرزهای جدید مدیریت مالی » مراجعه شود. همچنین به پایگاه مجمع جهانی اقتصاد [www.weforum.org](http://www.weforum.org)

گذاری ارزش‌های (غربی) تازه در اقتصاد! - تقویت اقتصاد و بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی و کاهش خطر پذیری‌های جهانی (از نوع هرزگی رفتار سامانه‌های پولی، مالی و بانکی که مسبب اولیه این بحران شدند) - تضمین ثبات و پایداری توسعه - اعتماد سازی و ایجاد موسسات و نهاد های بین‌المللی کارآمد - و نهایتاً رئیس‌جمهور وقت آمریکا (بیل کلینتون) با فرافکنی موضوع پیشنهاد کمک به بازسازی کشور زلزله زده هائیتی را مطرح می‌کند تا شاید توجه دیگری برای لشکر کشی در این کشور شود.

برغم گزارش صندوق بین‌المللی پول مبنی بر اینکه «از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ بیش از ۱۲۴ بحران بزرگ در کشورهای سرمایه‌داری شکل گرفته است که همه آنها نیز پشت سر گذاشته شده‌اند.»<sup>۷</sup> اکنون پس از ۶ سال از شروع بحران هنوز نه تنها علائمی از حل این مشکل به چشم نمی‌خورد بلکه روبروز بر شدت بحران و سرایت آن به تاروپود اقتصاد کشورهای غربی افزوده می‌شود. ژوزف استیگلیتز (۲۰۱۰) اقتصاددان برنده نوبل، از بحران بزرگ در کتاب خود به نام آمریکا، بازارهای آزاد و فروافتادن اقتصاد جهانی، بنیادگرایی بازار آزاد را که به نظر وی عامل بروز بحران ۲۰۰۸ است، به شدت نقد می‌کند. یکی از مشخصات این بحران تکانه آشکار و دفعتاً در نظام اقتصادی است. در کنار این پدیده یک بحران بطنی و پنهانی وجود دارد که همانند کوه یخ بخش اعظم آن پنهان و حرکت آن از نوع خزننده و بطنی است. این بحران سالخوردگی جمعیت در کشورهای جامعه اقتصادی غرب بویژه اروپا است. که از آن باید به عنوان تناقض بزرگ توسعه در تمدن غرب یاد کرد. در دو سال اخیر حرکت‌های سازنده‌ای در کشور ما در جهت توصیه به زاد و ولد بیشتر صورت گرفته است. سخنان و رهنمود های امام خامنه‌ای فصل الخطاب و آغازگر این حرکت سازنده بوده است. طرح پرداخت مبلغ یک میلیون تومان به حساب سپرده هر نوزاد به صورت بلاعوض از طرف دولت دهم نیز در صورت اجرا می‌تواند مشوق خوبی باشد. برگزاری همایش تغییرات جمعیتی و نقش آن‌ها در تغییرات مختلف جامعه توسط معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) که با همکاری مراکز علمی، پژوهشی و اجرایی کشور در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۲ اجرا شد، نیز حرکت شایسته‌ای در این راستا است. در برخی از محافل شنیده شده که نسبت به این اقدامات و تشویق مردم به تولد

<sup>7</sup> - Luc Laeven and Fabian Valencis, (2008)

<sup>8</sup> - Freefall: America, Free Markets, and the Sinking of the World Economy

فرزند بیشتر انتقاد شده است. توسعه فناوری ثابت کرد که نظریه های بدبینانه امثال مالتوس نمی توانند اعتبار داشته باشند. به عبارت ساده تر افکار سکولار امثال مالتوس علاوه بر غفلت بزرگ نسبت به رازقیت خداوند تبارک و تعالی از کم کیف نقطه مقابل قانون مخلوق خالق یعنی بازدهی عامل سرمایه و فناوری در قانون بازده نزولی برای اشتغال و افزایش بهره وری و تولید غذا توسط جمعیت بیشتر غافل بودند. آنچه که مسلم است از دیدگاه اسلام تربیت اولاد صالح بسیار تشویق شده و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند که به کثرت موالید در امت خود مباحات می کنند. در دیدگاه اسلامی خداوند رازق موجودات است و اگر روابط ناسالم اقتصادی نباشد کسی از رزق الهی محروم نمی شود. از دیدگاه اقتصاد اسلامی و بر اساس رهنمود های ائمه اطهار (علیهم السلام) منشا گرسنگی کثرت جمعیت نیست بلکه توزیع نابرابر ثروت و درآمد سبب بوجود آمدن فقر و مسکنت می شود. امام المتقین امیر بیان علیه السلام می فرمایند: ما جاع الفقیر الابما متع به غنی هر جا گرسنه ای باشد در کنار آن انسان مرفه ای وجود دارد (بدین مفهوم که بر اساس روابط ناسالم اقتصادی غنی حق فقیر را غصب نموده است). نظام سرمایه داری غرب پس از چند دهه مباحات به دستاورد های خود اکنون دچار سردر گمی های بسیاری شده است. با تضعیف فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون وسطی و استیلای علمی خود که وامدار تمدن اسلامی بود و پس از غارت ثروت ملل بخصوص آسیا و آفریقا در سده های گذشته و استحکام پایه های سرمایه داری برای جوامع بشری خواب های زیادی دیده و نقشه های استعماری زیادی ترسیم کرده اند. یکی از این نقشه ها نقشه تقسیم کار تولید و اشتغال است. در این نقشه فعالیت های کار طلب، آلوده کننده محیط زیست، انرژی بر، کم توان از نظر فناوری و غیر راهبردی را سهم کشورهای توسعه نیافته و در عوض صنایع با فناوری بالا (های تک<sup>۹</sup>)، سازگار با زیست بوم، سرمایه طلب، انرژی اندوز، پیچیده و راهبردی را برای خود برداشته اند. لذا طبق همین نقشه هرگز حاضر نیستند کشوری مثل ما از فناوری های بالابردار باشد. البته یکی از دلایل ممانعت آنها از دستیابی ما همین مسئله است. آنچه که از بیانات حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) آشکار است ایشان با علم شهودی فروپاشی تمدن غرب را نه تنها پیش بینی بلکه بشارت داده اند. شکی نیست که این بر حذر داشتن، نشان از شکست عنقریب این تمدن در دیدگاه آن مرشد کبیر بوده است. در سه دهه

<sup>9</sup> - Hi-Tech Industries

گذشته پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرتباً خطر شبیخون فرهنگی و تبعیت از بی ارزش های ضد ارزش فرهنگ غرب در بیانات حضرت امام و بخصوص رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی به مردم و مسئولین هشدار داده شده است. یکی از تبعات بسیار خطرناک این فرهنگ فرومایه پاشیدن نظام خانواده است. و تبعاً عدم تمکین به نظام زندگی مشترک و تربیت فرزند نیز حاصل این لابلایگری است. لذا ملاحظه می شود که نرخ رشد جمعیت در کشور های غربی بسیار کم، صفر و گاهی به مرز خطر ناک منفی رسیده است. با حاکمیت روز افزون نظام ربوی و روابط اقتصادی ناسالم بخصوص در لایه های مجازی اقتصاد و در بازار سرمایه و پول، بحران اقتصادی و مالی غرب در اواخر سال ۲۰۰۸ علائم توخالی بودن این تمدن را هرچه بیشتر آشکار تر نمود. اما از این شاخص بزرگ مهمتر و سنگین تر، نخ نما شدن «تناقض توسعه ای» بزرگتری به نام سرمایه انسانی است. در تقسیم کار فوق الذکر عامل نهفته در الگو، برخورداری از نیروی فکری جوان برای ایفای نقش مهم تولید محصولات فکری با فناوری بالا(های تک) است. در واقع شرط موفقیت مستمر در این نقشه راه و تقسیم کار برخورداری از نیروی فکری شاداب و فعال است. و راه برخورداری از این عامل مهم تولید، بالابودن نرخ توالد است و این مسئله نیز منوط به استحکام خانواده و تقید به زندگی خانوادگی مشروع و مسئولیت پذیری خانوادگی زنان و (مردان) است زیرا در این الگو عامل اصلی رشد برخورداری از جمعیت جوان برای تولید علم، ابداع و نوآوری و بهره وری است. کاهش رشد جمعیت در این کشور ها خبر از به بن بست رسیدن این الگو و نشان از تناقض توسعه ای دیگر در ارکان تمدن غرب است. در دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تاثیر گذاری فرهنگ و نظام هدایت اسلامی استحکام خانواده تجلی بهتری یافت. افزایش باروری و رشد نسبت جمعیت جوان عامل مهمی در افزایش رشد فناوری و نوآوری در کشور ما بوده است. با توجه به اینکه افزایش رشد علمی و فناوری یک متغیر تابع با وقفه از افزایش باروری و جوان شدن جمعیت است لذا آثار رشد متوسط سالانه ۳.۶ و ۳.۵ و ۴.۶۷ و حتی ۲.۱۴ سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ با تاخیر اثر خود را هم اکنون در بازدهی فناوری کشور گذاشته است. البته رشد فناوری و علمی تابع متغیر های زیادی است. یکی از این متغیر ها جوان بودن جمعیت است که شاخصی از نشاط و انرژی و خلاقیت است که شرط لازم رشد علمی، فناوری و بهره وری در سرمایه انسانی است. این موضوع مورد تایید محققین زیادی از جمله کینسلا و فیلپس قرار گرفته است.



جدول شماره ۱ - جمعیت و سهم سالمندان							
سال	جمعیت	درصد رشد سالانه جمعیت	سالمندان +۶۰	درصد افزایش	نسبت سهم	جمعیت جوان ۱۴-۰	نسبت سهم
1335	18954704		1183982	3	6.2	7998885	42.2
1345	25078923	3.6	1588042	3.3	6.5	11561383	46.1
1355	33708744	3.5	1770614	5.2	5.2	15000391	44.5
1365	49445010	4.67	2672115	5.25	5.4	22497479	45.5
1375	60055488	2.14	3978127	6.62	6.6	23721917	39.5
1385	70455782	1.73	5121043	28.7	7.3		25.1
1390	75140000	1.32	5670000	10.7	7.5		23.4

ماخذ: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۰

## ۲- تعاریف و مفاهیم

### ۲-۱ بخش مجازی و حقیقی اقتصاد

از دیدگاه برخی از اقتصاددانان چون جوانت کنستانتین (۲۰۰۸، ۴۳) «اقتصاد مجازی (و یا گاهی اوقات اقتصاد مصنوعی) یک اقتصاد نوظهور در جهان ماندگار مجازی موجود است، که معمولاً مردم در این محیط به قصد یک بازی تفریحی و نه از سر ضرورت، وارد اینترنت می شوند. با این حال برخی از مردم با این اقتصاد مجازی به منظور کسب سود اقتصادی واقعی ارتباط برقرار می کنند. واژه هایی مانند بانکداری مجازی، تجارت مجازی، آموزش مجازی، دولت مجازی، پول، خدمات و بسیاری از واژه های دیگر با پسوند مجازی در حال حاضر بسیار استفاده می شوند. در این مفاهیم در مقابل پدیده حقیقی آن کمرنگ شدن حضور فیزیکی عوامل مرتبط و جدایی از دنیای یک بعدی و سنتی انسان و تبدیل آن به دنیای سه بعدی منظور است. مثلاً طبق تعریف در یک بازار مجازی، فروشنده و خریدار حضور ندارند بلکه بوسیله واسطه ها و اطلاعات الکترونیکی تجارت می کنند. در اینجا منظور

از اقتصاد مجازی آن بخش از اقتصاد است که عناصر حقیقی اقتصاد چون بخش تولید کالا و خدمات ضروری مورد نیاز، سرمایه فیزیکی، عوامل انسانی دخیل در فرآیند تولید و توزیع کالاهای حقیقی و خدمات ضروری مورد نیاز حضور ندارند. لذا با این تعریف معنای مورد استفاده در این گزارش تحقیقی یعنی «بخش حقیقی اقتصاد» نیز به شیوه برهان خُلف مشخص می‌شود. در بخش‌های بعدی توضیح بیشتری داده می‌شود. این تعبیر در نوشته‌های محققین دیگر نیز تلویحاً و کم و بیش استفاده شده است. به عنوان مثال می‌توان به کار رامونا پوپا (۲۰۰۹، ۱۰۵-۱۰۴) اشاره نمود. همچنین در گزارش انستیتو سرمایه (۲۰۱۳، ۱۰) می‌خوانیم: «در طول چند دهه گذشته افزایش قابل توجهی در مقدار، پیچیدگی و سرعت گردش سرمایه مالی و پول در گردش سیستم مالی جهانی وجود داشته است، و بسیاری از این افزایش ناشی از استفاده از ابزارهای جدید و بسیار قوی تر مالی بوده است. مقدار سرمایه و گردش مالی در این اقتصاد مجازی در حال حاضر بسیار بیشتر از مقدار در سیستم اقتصاد واقعی که در آن تولید و توزیع جریان دارد و محصولات، کالاها و خدمات رد و بدل می‌شوند، وجود داشته است. در حال حاضر تخمین زده می‌شود که تولید جهانی (GWP) در اقتصاد واقعی ۷۵ تریلیون دلار است در حالی که مقدار پول در اقتصاد مجازی چند برابر عددی مضربی از آن است..» ملاحظه می‌شود از دیدگاه این موسسه اقتصاد مجازی صراحتاً بازار پول و خلق پول و سفته بازی است. همچنین از دیدگاه سونگ زئو زیانگ (۲۰۱۳، ۲۰): «تعریف عدم تعادل جهانی: دو پدیده واگرایی ۱۰ است. اول واگرایی اقتصاد مجازی (و یا اقتصاد مالی) از اقتصاد واقعی در سطح جهانی است، یعنی نرخ رشد اقتصاد مجازی بسیار بالاتر از نرخ رشد اقتصاد واقعی بوده است. دوم واگرایی جغرافیایی مرکز ایجاد ثروت واقعی از مرکز ایجاد ثروت مجازی است: این مرکز ایجاد ثروت واقعی (و یا مرکز تولید) به تدریج به کشورهای در حال ظهور (به خصوص چین) منتقل شده است. با این حال، پول جهانی و مرکز مالی هنوز هم در کشورهای توسعه یافته (به ویژه ایالات متحده آمریکا)، باقی مانده است که در تقسیم جهانی کار، توزیع جهانی درآمد، بحران مالی، و سیاست‌های اقتصاد کلان اساسی‌ترین پیامدها را دارد. در کار چندراسخار (۲۰۰۲) نیز مفهوم اقتصاد حقیقی را در مقابل بخش مالی قرار داده است.

<sup>10</sup> - Divergence به معنی فاصله گرفتن ممتد و فزاینده

### ۳- پیشینه بحث

گزارش‌ها و نوشته‌های پژوهشی زیادی در باره دو چالش بزرگ تمدن سرمایه داری غرب منتشر شده است. وجه مشترک این دستاوردهای علمی ارتباط و تاثیر دوسویه این دو چالش در همدیگر و بر شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای متبوع، ایلات متحد آمریکا و بویژه اروپای غربی است.

### ۳-۱ بحث علل، عوامل، ریشه‌ها و آثار بحران پیری جمعیت

مشکل اصلی بشر جهل مرکب اوست. در موضعی نیز که پی به مسئله می برد و آگاه می شود دچار افراط و تفریط می شود. اصولاً معضل کنونی فرآیند پیری جمعیت در کشور های توسعه یافته، بخصوص اروپا، از القائات تفکراتی مانند مالتوس شروع می شود، که اعتقاد داشت تولید غذا به شیوه حسابی و جمعیت به شیوه تصاعدی هندسی رشد می کند. و لذا پیش بینی می کرد که بحران گرسنگی بوجود بیاید. «توصیه مالتوس بر پذیرش جلوگیری از زاد و ولد به منظور به تعویق انداختن بحران و یا حذف بحران بود. البته این تئوری با ورود بازده فرایند به مقیاس و افزایش سطح تکنولوژی و در نتیجه افزایش بهره وری از واحدهای ثابت موضوعیت خود را از دست داد.» (حسینی، ۸۹، ۱۳۸۳) اما نگرانی های اخیر باید تابع شرایط مختلفی باشد. که یکی از قدیمی ترین عوامل «عدم تکافوی منابع طبیعی خدادادی برای تامین نیازهای جمعیتی» است. ولی اگر همین عامل ریشه یابی شود ریشه در مبانی معرفت شناختی علم اقتصاد مبتنی بر آموزه های اقتصاد سرمایه داری دارد. در تعریف پایه از علم اقتصاد تصریح می شود که علم اقتصاد عبارت است از علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود انسان. از منظر اعتقادات اسلامی و قرآنی، اساس این تعریف اشکال دارد. (مدرسی، ۱۶، ۱۳۹۲-۱۵)

توصیه به افزایش تعداد فرزند بر اساس آموزه های دین مبین اسلام در دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار رایج شد. ولی در عمل متاسفانه «شعار فرزند کمتر زندگی بهتر» توسط برخی از متولیان امر که آشنا و متخلق به مبانی معرفت و الگوی اسلامی نبودند طرح و در عمل تا حدودی پیاده شد. متاسفانه در مجامع علمی نیز با تقلید کورکورانه از الگوی استعماری غربی به این پدیده ی شوم دامن زده شد. با این حال به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران علت افزایش جمعیت در دهه اول تنها ناشی از اجرای توصیه

نیست و همینطور علت کاهش جمعیت در دهه اخیر نیز نمی تواند ناشی از سیاست های غلط برخی از متولیان امر باشد. ۱۱ درصد افزایش باروری و مرگ و میر و تغییر جمعیت که موضوع بحث در اینجا نیست، وقوع عارضه کاهش رشد و باروری جمعیت در کشور ما به مرز خطرناکی رسیده است که تا سال ۱۴۱۵ به صفر برسد. (مرکز بهداشت استان قم) این در شرایطی است برای جلوگیری از کاهش و پیری جمعیت باید نرخ رشد جمعیت حداقل به ۲/۱ درصد در سال برسد. صرف نظر از اینکه تقلید کورکورانه از الگوی غربی که خود را در قالب افکار منسوخ شده مالتوسی در کشورما نشان داد ریشه در خودناباوری دینی و اعتقادات سکولار و غرب زدگی دارد، متأسفانه دچار ضعف بنیان علمی نیز بوده و هست. زیرا از امکان پیشرفت علمی برای بهره برداری فزاینده از منابع و تامین جمعیت مطابق با بخش ایجابی قانون بازده نزولی یعنی بازدهی فزاینده به مقیاس عامل سرمایه با پیشرفت فناوری غفلت داشت. در این خصوص دوژورنه می گوید:

« در گذشته راه حل عدم توازن بین نرخ رشد غذا و نرخ رشد جمعیت به بازنگری در نرخ رشد جمعیت بر می گشت تا به تلاش برای شتاب بخشی به فرآیند توسعه رشد جمعیت عنصری زشت تلقی می شد که مسئول عدم توازن است. و از آن رو مداخله جهت کنترل آن مشروعیت یافت. چنین مداخله هایی همگی موجه می نمودند، چرا که در نبود کنترل داوطلبانه، می توان انتظار داشت که مرگ و میر برای برقراری مجدد توازن از دست رفته، افزایش یابد. نتیجه این بود که هر چه جمعیت افزایش می یابد، غذا هم افزایش خواهد یافت. اما چون نرخ رشد غذا کمتر است معیار زندگی همیشه در سطح حداقل معیشتی ثابت می ماند. دلیل این امر آن است که مرگ و میر جمعیت را به حدی خواهد رساند که بتواند در یک سطح معین از بهره وری کشاورزی تغذیه شود.»

بعد بسیار مهم دیگر در نظریه مالتوسی فکر حد هایی بود که رسیدن به آن، کنترل و جلوگیری را ناگزیر می کند. مسئله، حدود، بویژه با توجه به نگرانی پدید آمده برای حمایت از محیط و آگاهی از این نکته که منابع همیشه تجدید شونده نیستند، محور بحث مختلفی قرار گرفت. این ماجرا عنصری از فوریت دارد که نه تنها بحث ها را داغتر می کند، بلکه

<sup>۱۱</sup> - به عنوان مثال مرحوم دکتر حسین عظیمی استاد علوم اقتصادی در پاسخ به طرح چنین مسئله ای یعنی افزایش باروری در دهه اول به دلیل توصیه های نظام جمهوری اسلامی اتکای تنها به این عامل را در این مسئله رد کردند. (منبع: نگارنده ۱۳۶۹- حضور در کلاس درس ایشان)

مداخله‌های حادث‌تر را نیز توجیه می‌کند. مجدداً فکر حدود توجه را بیشتر به سمت عامل جمعیت به عنوان مهمترین و آسانترین عامل مداخله پذیر جلب می‌کند و به ارتقاء و تسریع توسعه واقعی نمی‌نهد.

در طول قرن نوزدهم، یعنی زمانی که رشد جمعیت در اغلب کشورهای اروپایی سریع بود، راه‌گریز از دام مالتوسی در مهاجرت‌های بیرونی و استعمار دیده می‌شد. در درون اروپا بحث از توازن جمعیت-غذا به بحث در باب توان بین ملل و امکان بسط اقدام‌های نظامی و ملی گرا مبدل شد. «(دوژورنه، ۷۴-۷۳)

بی تردید عوامل مختلفی چون رفاه زدگی، فقر، پیشرفت بهداشت و درمان، تزلزل خانواده، سیاست‌های کمی کنترل جمعیتی از طرف دولت، سیاست‌های کیفی کنترل مانند سیاست‌های پوششی بیمه، مالیات، یارانه، اشتغال زنان و غیره نقش به‌سزایی در کنترل موالید و کاهش مرگ و میر و افزایش شاخص امید به زندگی داشته‌اند.

به دنبال رشد و توسعه، «پدیده انفجار جمعیت، در اروپا نزدیک به حدود ۱۰۰ سال رخ داده و پس از آن سیر زاد و ولد در اروپا، روند کاهشی به خود گرفته، به نحوی که آهنگ رشد زاد و ولد کمتر از آهنگ رشد مرگ و میر بوده و لذا در سال‌های اخیر آهنگ رشد جمعیت در کشورهای اروپایی رقمی نزدیک به صفر و یا حتی در برخی مواقع منفی بوده است. تحلیل‌های موجود مراکز مطالعات راهبردی غرب بیانگر آن است که اروپای آینده یک اروپای با ساختار جمعیتی پیر بوده و لذا از هم‌اکنون سیاست‌های افزایش جمعیتی را با انواع تدابیر جذاب در پیش گرفته‌اند. لکن واکنش مثبتی به این سیاست‌ها از سوی اروپاییها نشان داده نشده است.» (حسینی، ۱۱۲، ۱۳۸۳) افزایش متوسط سن جمعیت نگرانی‌های شدیدی را برای غرب بوجود آورده است. پدیده پیری جمعیت یک مشکل فراگیر و جهانی است. و تنها به کشورهای اروپایی و پیشرفته محدود نمی‌شود. آمار اداره جمعیت سازمان ملل پیش‌بینی جالب توجهی برای دهه‌های آینده منتشر کرده که در نمودار شماره ۱ ذیل ملاحظه می‌شود:

(نمودار شماره ۱- توزیع سنی جمعیت در دهه‌های ۱۰۵۰ تا دهه ۲۰۵۰ میلادی برای بیش از ۲۳۰

کشور)

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداورد ۱۳۹۳

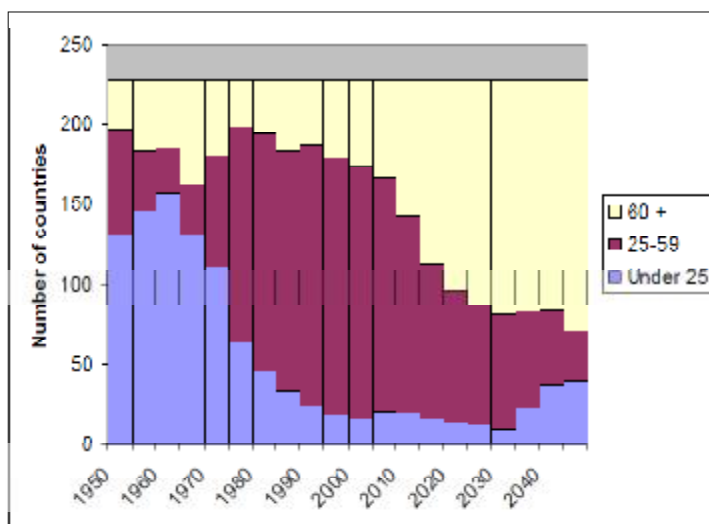


Figure 1. Distribution of countries by phase in age transition. Countries classified based on age group with greatest increase in population.  
Source: UN Population Division (2009).

همانطور که مشاهده می شود نسبت جمعیت ۶۰ سال به بالا در سال ۲۰۰۰ به بعد مرتباً رو به افزایش خواهد بود و در سال ۲۰۵۰ به بیش از ۷۰ درصد جمعیت دنیا خواهد رسید.

الستیر گری (۲۰۰۵) نشان می دهد که پیر شدن جمعیت در کشورهای اتحادیه اروپا هزینه های اجتماعی، بازنشستگی، مراقبت های بهداشتی و سلامت را تا سال ۲۰۵۰ در حدود ۵۰ درصد افزایش خواهد داد. این هزینه ها در سال ۲۰۰۰ از ۱۹٪ تولید ناخالص داخلی به ۲۶٪ در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد داد. ضدوایفل و همکاران و گری و سِشامانی (۲۰۰۴) نیز با کار مشابه و داده های کاملتر نیز به نتایجی مشابهی دست یافته اند. (گری، ۲۰۰۵، ۱۸-۱۵) هاجیست و کتلیکف (۲۰۰۵) و لی و مایلر نیز به ترتیب به نتایج مشابهی از اثر پیری جمعیت بر هزینه های خدمات عمومی برای اروپا و آمریکا دست یافتند. لی و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود درمی یابند که اولاً کشورهای در حال توسعه که ثروتمند می شوند دچار پیری جمعیت هستند. پیری یک پدیده جهانی است و تا سال ۲۰۱۵ در نیمی از کشورها افراد ۶۰ سال به بالا افزایش خواهند یافت. -پیری هزینه های بازنشستگی و بهداشتی را افزایش داده است- چشم انداز پیری جمعیت دو عارضه مهم ومشهود دارد ۱- برای کشورهای پیر رسیدن به درآمد بالا مشکل است. ۲-تامین نیاز

جمعیت سالمند برای کشورهای کم و متوسط درآمد بسیار مشکل است. یکی از دلایل آن کاهش بهره‌وری و بازدهی سرمایه انسانی و نهایتاً رشد اقتصادی است. لی و میسون (۲۰۰۹) استنباط می‌کنند که کاهش باروری و پیری جمعیت یک مبادله بین کیفیت و کمیت در سرمایه بشری است که نتیجه انتخاب خانواده است. رقابتی بین یک جمعیت پیر و جوان در جلب سرمایه گذاری عمومی است. عارضه پیری در گزارش آماری نیروی کار آمریکایی‌های مسن تر تصویر بهتری از عارضه پیری جمعیت در این کشور مدعی تمدن و عقلانیت و هدایت ملل است. نرخ مشارکت کار سالمندان ۵۵ سال به بالا از ۳۲/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۰/۷ درصد در دسامبر ۲۰۱۲ رسیده است. همزمان نرخ بیکاری در دو مقطع زمانی فوق‌الذکر از ۴ به ۷/۸ درصد رسیده است مجدداً نرخ بیکاری سالمندان ۵۵ سال به بالا در دو مقطع فوق‌الذکر از ۲/۶ درصد به ۵/۹ درصد رسیده است. مقایسه این ارقام دال بر بهره‌کشی بیشتر از افراد مسن تر به دلیل پیر شدن جمعیت. در گزارش آپس و همکاران (۲۰۰۷)، درباره کشور استرالیا نیز با توجه به عارضه پیری جمعیت ۴ و ۵ دهه گذشته در این کشور افزایش نسبت وابستگی سالمندان ۱۲ بر معضل بزرگ‌افزایش هزینه‌های خدمات عمومی، بهداشتی و بازنشستگی و افزایش فشار هزینه بر شاغلین تاکید شده است. جانسون و پارک می‌گویند از زمان وقوع رکود بزرگ (سال ۲۰۰۸) نسبت نیروی اشتغال به جمعیت برای سنین ۵۵ سال به بالا در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۷ از ۳۱/۵ به ۳۸/۴ درصد رسیده است. (جانسون و پارک، ۲۰۱۲، ۷-۱). کارونه و همکاران با استفاده از مدلی اثر افزایش سن جمعیت در بازار کار را با استفاده از دو متغیر سن و جنس برای ۲۵ عضو اتحادیه اروپایی تا سال ۲۰۵۰ پیش بینی نموده‌اند. پیش بینی‌ها حاکی از چالش‌های بزرگ برای این اتحادیه است. از جمله کاهش استاندارد‌های زندگی، کاهش بهره‌وری، سهم بیشتر سالمندان و کاهش سهم جمعیت فعال، مهاجرت خالص به اتحادیه. کمیسیون اروپایی تخمین می‌زند که رشد تولید ناخالص داخلی با افزایش سن در ۱۵ عضو اتحادیه ۰/۴ پایین‌تر از آمریکا در فاصله سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ خواهد بود و برای کشورهای چوچون آلمان، فرانسه و ژاپن این کاهش به ۰/۲- تا ۰/۳- درصد خواهد رسید که شکاف استاندارد‌های زندگی را به شدت افزایش خواهد داد. این در شرایطی است که نرخ باروری ۲۵ عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ به ۱/۵ درصد رسیده است که نسبت به نرخ

12 - Aged Dependency Ratio

مناسب جایگزینی طبیعی یعنی ۲/۱ درصد بسیار پایین است. از دلایل ساختاری این کاهش زاد و ولد کنترل موالید، تحصیلات زنان، مشارکت زنان در نیروی کار، تغییر الگوهای خانواده و نگرش به زن همانند مرد به عنوان یک نیروی کار بوده است. (کارونه و همکاران، ۲۰۰۵، ۱۵-۵).

## ۲-۳ بحث علل، عوامل، ریشه‌ها و آثار بحران مالی اقتصاد سرمایه داری

علیرغم اینکه از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ بیش از ۱۲۴ بحران بزرگ در کشورهای سرمایه‌داری شکل گرفته است و همه آنها نیز پشت سر گذاشته شده‌اند ولی به نظر می‌آید بحران بزرگ سال ۲۰۰۸ ماهیت دیگر و عمق بسیار بیشتری دارد. جوزف استیگلیتز در پیشگفتار کتاب خود می‌نویسد: «در بحران بزرگی که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، میلیون‌ها نفر در امریکا و در سرتاسر جهان خانه‌هایشان و کارهایشان را از دست دادند. بسیاری بیشتر تر در هراس و نگرانی از بروز چنین وضعیتی بودند و تقریباً هرکس که پولی برای بازنشستگی یا آموزش کودکان کنار گذاشته بود دید که این سرمایه‌گذاری به‌مرور به کسری از ارزشش کاهش یافته است. بحرانی که در امریکا آغاز شد زود جهان را دربرگرفت، چنان‌که در سرتاسر جهان میلیون‌ها نفر شغل‌شان را از دست دادند - تنها ۲۰ میلیون نفر در چین - و صدها میلیون نفر به ورطه‌ی فقر افتادند. قرار نبود چنین باشد. اقتصاد مدرن، با ایمانش به بازارهای آزاد و جهانی‌سازی، رفاه همگان را وعده کرده بود. تصور می‌شد «اقتصاد نو» - نوآوری‌های حیرت‌انگیزی که ویژگی نیمه‌ی اخیر سده‌ی بیستم بود، از جمله مقررات‌زدایی و مهندسی مالی - که در بوق و کرنا شده بود، قادر است با مدیریت بهتر خطر، چرخه‌ی اقتصادی را به پایان برساند. اگر آمیزه‌ی اقتصاد نو و علم اقتصاد مدرن نوسانات اقتصادی را حذف نکرده، دست‌کم آن را مهار می‌کرد. یا به ما چنین گفته شد. افت بزرگ - که به‌روشنی بدترین سقوط از پی رکود بزرگی بود که هفتاد سال قبل رخ داد - این توهمات را درهم شکسته است. این افت ما را وامی‌دارد که در دیدگاه‌هایی که مدت زمان درازی است درست شمرده شده بازنگری کنیم. یک ربع قرن؛ برخی آموزه‌های بازار آزاد حاکم بود: بازارهای آزاد و بی‌قید کارآمد هستند؛ اگر خطا کنند، به‌سرعت آن را تصحیح می‌کنند. بهترین دولت، دولتی کوچک است و مقررات تنها برای نوآوری مانع می‌تراشد. بانک‌های مرکزی باید مستقل باشند و تنها بر پایین‌نگه داشتن تورم بکوشند. امروز حتی



آلن گرینسپین، رییس هیئت مدیره‌ی فدرال رزرو، اسقف اعظم آن ایدئولوژی در طی دوره‌ای که این دیدگاه‌ها حاکم بود، پذیرفته است که نقضی در این استدلال است - اما اعتراف او برای بسیاری که در نتیجه‌ی این سیاست‌ها آسیب دیده بودند خیلی دیر بود. « بنا به اعتراف بسیاری این بحران از نظر ساختاری جامع‌ترین نشان از شکست شیوه نظام اقتصاد و تولید سرمایه داری و نئولیبرالیسم است که تاکنون ایجاد شده است. اثرات چند جانبه اجتماعی، انسانی و زیست محیطی و اقتصادی دارد... بحران‌های بزرگ قبلی همچون در دوره ۱۸۷۳ - ۱۸۹۵ و ۱۹۲۹ - ۱۹۳۳ و دهه ۱۹۷۰ تنها در برخی از کشورهای سرمایه داری که جمعیت آنها کمتر از یک چهارم از کل جمعیت جهان بود و کشورهای سرمایه داری هنوز مجال فرافکنی معضلات خود به فضای خارجی و نفوذ به بازار خارجی برای گسترش بازار خود داشتند، اتفاق افتاده است، و لذا مجال بهتری برای بهره برداری بیشتر از منابع طبیعی و نیروی کار در اختیار داشتند.. اما با گستره جهانی این بحران، چنین فرصتی دیگر برای آنها وجود ندارد. لذا ملاحظه می شود که جایی در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمریکا و سایرین برای جذب سرریز نیروی کاری که بیکار شده و سهامی که ارزشش را از دست داده و غیره وجود ندارد. بازارها همه به مرز رکود و اشباع ناشی از آن رسیده و همه مستاصل شده اند. در زمینه علل و عوامل و آثار و عوارض بحران مالی - اقتصادی دنیای سرمایه داری گزارش‌های تحقیقی زیادی منتشر شده است. ویتور کنستانسیو معاون رئیس بانک مرکزی اروپا (۲۰۱۳)، می گوید «به نظر من راننده اصلی بحران در بخش مالی واقع شده بود، به خصوص بانک‌ها که به واسطه تحریف جریان عظیمی از سرمایه‌های بزرگ به سمت حاشیه عدم تعادل غیر قابل تحملی را ایجاد کردند. و این به دنبال یک وقفه ناگهانی بحران بین‌المللی و به دنبال یک تجدید وضعیتی از قیمت ریسک بوجود آمد که به این مسئله کمک نمود. بحران ریشه در دو عامل داشت یکی بی انضباطی مالی و دیگری افزایش دستمزدها و قیمت و زیان ضمنی رقابت پذیری در بازار که منجر به بحران عدم تعادل در تراز پرداختها شد... این مسلم است که عوامل دیگری نیز در بحران نقش داشته اند. اما مهمترین این عوامل عبارتند از: فقدان یک تنظیم کننده قوی برای ممانعت از افزایش قدرت نفوذ در سیستم مالی، رژیم‌های نامشخص بانکی همراه با گسترش و ترویج فعالیت‌های ضد اخلاقی در بخش بانکداری و شکست در تعدادی از حوزه‌های قضایی منطقه یورو برای اعمال سیاست‌های مالی ضد ادواری مناسب و عدم انجام اصلاحات ساختاری با هدف

## سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی میثرف

### واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارت ایران و جهان: بر روی نظریه اسلامی ایرانی میثرف

ارده‌بشت و خرداود ۱۳۹۳

بهبود رقابت. «وی در سخنرانی خود به آماری از بانک مرکزی اروپا استناد می‌کند تا یکی از دلایل و آثار یعنی افزایش نسبت بدهی بخش عمومی و بخش خصوص در طول فاصله زمانی سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷ و عمق فاجعه بحران را. (در جدول شماره ۲ ذیل) نشان دهد.:

جدول شماره ۲ - رشد نسبت بدهی بخش عمومی و خصوصی منطقه یورو، یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و ایرلند بین

سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷

Growth of public and private debt ratios to GDP				
	Public Sector Debt Ratio (% of GDP)			Private Sector Debt Ratio (Variation in %)
	1999	2007	$\Delta$ 99-07 In %	$\Delta$ 99-07 In %
Euro Area	71.7	66.4	-7.4	26.8%
Greece	94.9	107.2	13.0	217.5%
Italy	113.0	103.3	-8.6	71.2%
Spain	62.4	36.3	-41.8	75.2%
Portugal	51.4	68.4	33.0	48.9%
Ireland	47.0	25.0	-46.8	101.0%

Source: European Central Bank, (www.ecb.europa.eu)

ایشنگرین و اورور که (۲۰۰۹) می‌نویسند: «بحران مالی که در سال ۲۰۰۷ آغاز شده است در تاریخ اقتصادی بعد از جنگ بی سابقه است.» این بحران بزرگ پس از یک دوره طولانی از رشد سریع اعتبارات، اجرت‌های کم خطر، حجم نقدینگی شدید و گسترش حساب‌های املاک و مستغلات اتفاق افتاد. گسترش حجم اعمال نفوذ وسیع موسسات مالی در بازارهای دارایی به شدت آسیب پذیر. در نتیجه، رکود در گوشه‌ای نسبتاً کوچک از سیستم مالی (بازار وام‌های بیپشتوانه آمریکا) برای سرنگونی کل ساختار کافی بود. مشابه این رخداد بزرگ قبلاً (به عنوان مثال ژاپن و کشورهای شمال اروپا در اوایل دهه ۱۹۹۰، بحران آسیایی در اواخر دهه ۱۹۹۰) نیز اتفاق افتاده است، اما آنها تا حد زیادی در سطح و محدوده منطقه‌ای باقی ماندند. تفاوت مهم این بحران این است که، مانند دوران رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، بحران فعلی یک بحران گسترده جهانی است. (سزکلی و نورد، ۲۰۰۹). تعبیر خطرناکترین شوک اقتصادی پس از بحران دهه ۱۹۳۰، تعبیری است که اصولاً توسط صندوق بین‌المللی پول استفاده شده است. (INSG, 2008) ایشنگرین و اورور که (۲۰۰۹) در گزارش خود به آثار بحران بطور مفصلی پرداخته‌اند و برخی شاخص‌ها را با بحران سال

۱۹۲۹ مقایسه می‌کنند از جمله آنها به چند مورد اشاره می‌شود - کاهش تولید صنعتی در نه ماه گذشته (از اول بحران) دست کم به شدت نه ماه پس از اوج بحران ۱۹۲۹ بوده است. - سرعت بیشتر و سریعتر عرضه پول و انبساط پولی در ۱۹ کشور بحرانزده در بحران سال ۲۰۰۸ از انبساط پولی در بحران ۱۹۲۵-۱۹۲۹ - شدت و سرعت بیشتر افت تجارت بین کشورها در بحران ۲۰۰۸ نسبت به بحران ۱۹۲۵-۱۹۲۹ - فرایند فزاینده کسری مالی ۲۴ کشور بحران زده در بحران ۲۰۰۸ نسبت به بحران دهه ۱۹۳۰ با استناد به گزارش صندوق بین‌المللی پول. در گزارش INSG (۲۰۰۸) نیز اثر فوق‌العاده بحران بر زیر بخش حقیقی معدن و صنعت و تداوم آن تا مرحله نامشخصی از رشد تقاضا در بازار جهانی تاکید شده است. در گزارش دیگری کاستلو و همکاران (۲۰۰۹) تاکید دارند که این بحران تولید بالقوه اتحادیه اروپا را حدود ۵٪ از تولید ناخالص داخلی کاهش می‌دهد. همینطور طرف عرضه اتحادیه را تضعیف و بر کاهش بهره‌وری کل عامل موثر خواهد بود. رامونا پوپا (۲۰۰۹)، (۱۰۴-۱۰۵) در بررسی خود نتیجه می‌گیرد «در دوره ۲۰۰۳ - ۲۰۰۷، جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روند صعودی به خود گرفت این روند همراه با حمایت همزمان روند توسعه اقتصادی در سطح جهان بود، با گسترش لیبرالیسم اقتصادی و آزاد سازی رژیم‌های جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و اقتباس استراتژی جهانی سازی در مقیاس بزرگ حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (DFI) به یک رکورد بالای ۱.۸ بیلیون دلار در سال ۲۰۰۷ منجر شد. (DFI UNCTAD، ۲۰۰۹). با وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی در سال ۲۰۰۸ مشخص شده که افزایش چرخه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی به پایان عمر خود رسیده است. در سال ۲۰۰۸ جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهانی ۲۰٪ کاهش یافته است. با توجه به تاثیر آن بر اقتصاد مجازی، بحران به سرعت از بخش مالی فراتر رفته و اثرات جدی بر اقتصاد واقعی ایجاد کرده است. آمار نشان می‌دهد که کشورهای توسعه یافته به دلیل ولنگاری مؤسسات مالی و فعالیتهای سفته‌بازی و خلق اعتبار و نقدینگی خودسرانه بیشترین تاثیر را از بحران سال ۲۰۰۸ گرفتند جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این گروه از کشورهای توسعه یافته به ویژه در فنلاند، آلمان، مجارستان و ایتالیا بلکه در بریتانیا، فرانسه، ایالات متحده نسبت به سال ۲۰۰۷ تقریباً ۳۳٪ کاهش یافته است..» این معضل به شرق اروپا نیز سرایت نموده است. به عنوان مثال نیستور لوان و یولیسی ماریا (۲۰۱۳، ۲۸۲ و ۲۸۶-۲۸۷) می‌نویسند «شاخص سهام بورس بخارست

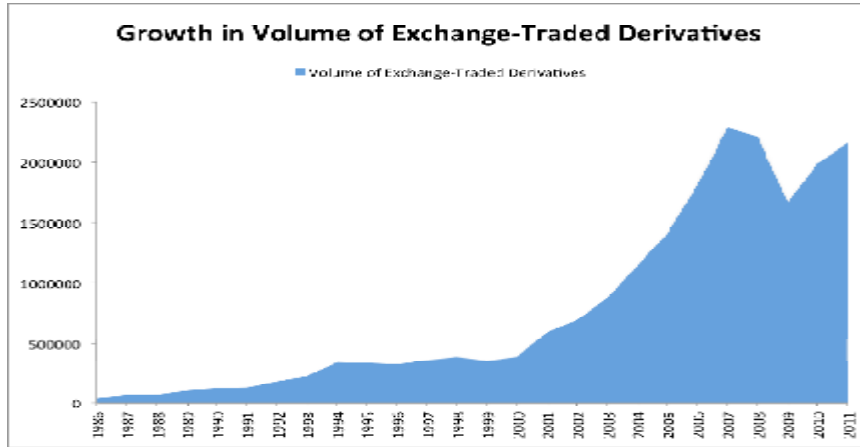
رومانی (BET) در سال ۲۰۰۸، ۶۰ درصد سقوط کرد. این در خالی است که شاخص بازارهای دیگر مانند نزدک (Nasdaq)، فوتسی ۱۰۰ (FTSE 100)، دکس (DAX index)، شاخص صنعتی (DJ Industrial index) نیز به ترتیب ۲۹، ۳۰، ۳۷ و ۳۱ درصد سقوط کردند. بخشی زیادی از سرمایه‌ها از این کشور خارج شد. سود پرداختی بابت هر سهم به شدت سقوط نمود. «دیمیتری پاپادیمیتریو (۲۰۰۹، ۶)، در سخنان خود در کنفرانس می گوید: «باید درک درستی از ماهیت و پویایی بحران و مسائلی که در حال حاضر پیش روی نظام بانکداری و سیستم مالی است ارائه داد. امروزه، منابع اصلی تامین مالی بخش خصوصی بانک‌های تجاری و یا سرمایه‌گذاری نیستند، بلکه عوامل خصوصی سرمایه‌گذاری مانند صندوق‌های تامینی، صندوق‌های بازنشستگی، و ثروت وجوه - محرک اصلی در واقع پول است. حقیقتاً باید گفت که "پول سرمایه‌داری را مدیریت می‌کند." منابع پولی بسیاری از این عوامل به شدت از طریق تضمین قوی تروام‌های نشات گرفته از شرکت‌های هلدینگ مالی هستند که شناسایی آنها برای صاحبان ریسک و خطر نهایی دشوار است. علاوه بر این، این ساختار مالی متخلخل اجازه می‌دهد تا از خطوط متعدد از صلاحیت نظارتی همچنانکه از مرزهای ملی نیز فراتر می‌روند، عبور کنند به عنوان نمونه گسترش نظامند بیش از حد وام‌های بدون پشتوانه در آمریکا به سرعت بحران مشهود و جهانی است. بطوریکه به دلیل عدم تعهد موسسات مالی و فقدان نظم و انضباط آنها در بازار، فقدان نظارت و سهل‌انگاری مجرمان اصلی در بانکداری و اختلال مالی ۲۰۰۸ از تور ایمنی دولت عملاً عدول می‌کنند.» لئوناردو بورلاماکیو (۲۰۱۱، ۷) می‌افزاید: «به شما مفهوم دیگری به نام سیستم بانکی مالی سایه معرفی می‌نمایم. که در مقابل آن حتماً باید ما نیز یک سیستم نظارتی سایه مورد اعتماد مردم داشته باشیم. مجموعه نظارتی فعلی درک بسیار ضعیف از موسسات دارد، آنها بسیار تاثیرگذار هستند، چرا که با انجام کارهایی ناهنجار هنجارهای به ظاهر استاندارد تنظیم و در مجموعه‌های مختلفی از موسسات، از جمله در نظام مالی اعمال نفوذ می‌کنند. آنها بسیار تاثیرگذار هستند.» وی می‌افزاید: «در نهایت، امید من این است که یک نقطه کلیدی را که توسط جان مینارد کینز و جوزف شومپیتر قبلاً راجع به ماهیت سیستم نیز طرح شده گوشزد نمایم و آن این است که، سرمایه‌داری در اصل یک سیستم مالی است که شامل شرکت‌های مالی بدون توجه به آنچه که از لحاظ مالی تولید کنند. از این منظر یک عقل سلیم نمی‌تواند از جدایی بین این نظام

مالی و اقتصاد واقعی به سادگی گذر کند. اعتبار مالی، به معنی، بدهی ها، دارایی ها، مسئولیت ها، جریان های نقدی و پول نقد، تعهدات-درهمه جای سیستم است. اگر ما به این مطلب اذعان داشته باشیم، این باید هسته مرکزی توجه ما را به هر گونه تلاش برای سازماندهی مجدد سیستم اقتصادی به عنوان یک کل و نه فقط سیستم مالی، هم در داخل و هم در سطح جهان. رهنمون سازد. «بانک سرمایه (۱۲۹، ۱۳، ۲۰۱۳-۱۲۸) در باره حساب ربوی اقتصاد مجازی آمار جالب توجهی ارائه داده است. در گزارش خود می نویسد: «معاملات کوتاه مدت بجای سرمایه گذاری بلند مدت در بازار سرمایه جایگزین شده است، که بازتابی از مصیبت کوتاه مدت گرایی در اقتصاد است. و نتیجه سردرگمی از وسایل و اهداف است. توجه فوق العاده ای به کسب و کار تجارت ثانویه پرداخت می شود و اهمیت آن روبه روزافزایش یافته است. در شرایط بی ثباتی در سراسر جهان، شاهد رشد نمایی بازارهای سرمایه جهانی، و استراتژی های تجارت سوداگرانه هستیم که سرمایه گذاری اساسی بلند مدت در برابر این رشد غرق شده اند. مبادلات وحشت آور برای سود و حاکمیت یک ایدئولوژی نظارتی حداقل مداخله و با سقوط فلش های متعدد و در نتیجه از دست رفتن اعتماد به نفس سرمایه گذاران و اعتماد عمومی به سیستم در بازارها منجر به یک مسابقه تسلیحاتی در فن آوری شده که در حال حاضر کل سیستم تجاری ثانویه را تهدید می کند. در هیچ کجای اقتصاد رشد معاملات سوداگرانه قطعی تر از مشتقات. معاملات بورس نیست.» نمودار (شماره ۳) ذیل این رشد وحشت آور در حجم مبادلات در مشتقات بورس را از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۱ را نشان می دهد: همانطور که ملاحظه می شود حجم این مبادلات به بیش از ۵۰ برابر (۵۰۰۰ درصد) رسیده است.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی معایم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارت ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداود ۱۳۹۳



Source: Capital Institute analysis of Bank of International Settlement Quarterly Review, March 2012 :Capital Institute,p.129 به نقل از:

سونگ زئو زیانگ ( ۲۰۱۳، ۶) می نویسد: «از سال ۱۹۷۱، نرخ رشد پول ذخیره بین المللی بسیار بالاتر از نرخ رشد بخش اقتصاد حقیقی جهانی شده است. در نتیجه آن نرخ تورم انباشته شده در سیستم اقتصادی جهانی در چهار دهه گذشته بیش از نرخ تورم انباشته در تمام تاریخ انسان بوده است» نامبرده در ادامه گزارش خود به استناد به گزارش صندوق بین المللی پول و تحقیق مادیسون و گرینسپان می افزاید که در طول سالهای ۱۹۷۱ تا سال ۲۰۱۱ حجم ذخایر پولی بین المللی ۱۷۰ برابر شده این در حالی است که نرخ رشد بخش حقیقی اقتصاد تنها ۴ برابر شده است. و این تأیید رشد حبابی و افسارگسیختگی بخش پولی و مجازی اقتصاد را نشان می دهد. « درجایی دیگر می افزاید: «مارتین ولف می گوید: "این کوه بزرگ و رو به رشد از دارایی های مالی نشان دهنده وعده های آینده، ولی اغلب مشروط، رسیدی در ازای پرداخت فعلی هستند. اقتصاد مدرن، پیچیده و پویا بر اهرامی از وعده استوار است. " با این حال، موضوع وعده های مالی نه فقط به اندازه خطراتش قابل محاسبه است بلکه برپایه و بنیانی از عدم اطمینان استوار شده و به "ناشناخته هایی ناشناخته". اعتماد شده است». به بیان ساده تر ارزش های اعتباری کاذب با پایه ای حبابی و توخالی که با هر بادی سرنگون خواهند شد.

#### ۴- بحث و نتیجه گیری

##### ۴-۱ ابعاد چالش پیری جمعیت

با جمع بندی آنچه که از نتایج کار محققین در زمینه آثار بحران پیری جمعیت بدست می آید می توان به چند محور مهم در این بخش اشاره نمود. بطور کلی در گزارش های اشاره شده در بالا و سایر اسنادی که در اینجا مجال ذکر آنها نیست و مورد بررسی قرار گرفتند و به خصوص در گزارش کمیسیون اقتصادی اروپا که حاصل تحقیقات یک گروه شش نفره است و در سال ۲۰۰۵ منتشر شده چند نکته و محور مهم و عبرت آموز مشاهده می شود.:

اولین عبرت، پیش بینی بسیار بدبینانه نسبت به تداوم فرایند پیری جمعیت است. بطوریکه نرخ باروری ۱۳ به ترتیب در ۱۰ و ۱۵ و ۲۵ عضو اتحادیه اروپا (EU10,EU15,EU25) از ۱/۲ و ۱/۵ و ۱/۵ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۱/۶ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید که نشان از کاهش جمعیت و افزایش متوسط سنی جامعه اروپایی خواهد بود. (جدول شماره ۳ و ۴ ذیل - خلاصه شده)

Table 1- Overview of assumptions on demographic drivers

	Fertility rate		Life expectancy at birth				Life expectancy at 65				Migration			
			males		females		males		females		(000%)		% of population	
	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050
EU25	1.5	1.6	75.7	81.6	81.5	86.6	16.3	20.2	10.0	23.6	1349	270	0.3	0.2
EU15	1.5	1.6	76.4	82.1	82.2	87.6	15.8	18.5	17.2	31.2	1347	778	0.4	0.2
EU10	1.2	1.6	70.1	78.7	78.2	84.1	15.9	19.9	10.5	20.3	-3	101	-0.1	0.2

Source: EPC and European Commission (2005).

<sup>13</sup> - Fertility rate

Table 2 - Projected changes in the size and age structure of the populations of EU Member States, 2004 - 2050

	Total population			Young population (0-14)			Working-age population (15-64)			Elderly population (65+)			Very old population (80+)		
	2004	2050	% change	2004	2050	% change	2004	2050	% change	2004	2050	% change	2004	2050	% change
EU25	456.8	453.8	-1	74.8	60.4	-19	306.8	259.1	-16	75.3	133.3	77	18.2	49.9	174
EU15	382.7	388.3	1	62.4	52.7	-15	255.1	221.3	-13	65.2	114.2	75	16.3	44.2	172
Euro area	308.6	308.4	0	48.9	40.8	-17	206.5	174.2	-16	53.3	93.4	75	13.0	36.3	180
EU10	74.1	65.5	-12	12.4	8.6	-30	51.7	37.8	-27	10.1	19.1	88	1.9	5.7	193

Source: EPC and European Commission (2005)

اولین عارضه این پدیده خطرناک کاهش نیروی فعال و عرضه کار است. این پیش بینی در دهه ۱۹۹۰ نیز توسط مورو و روجرنیز انجام گرفته و به نتایج مشابه رسیده اند. جالب اینکه در این تحقیق وضعیت اروپا و ژاپن به مراتب بدتر از ایالات متحده آمریکا است. خطر این پدیده از زمان تشکیل پول واحد اروپایی (یورو) در بحث در زمینه بودجه مشترک احساس شد و عملاً در سال ۲۰۰۱ با تشکیل یک کار گروه « سالخوردگی ۱۴ » فعالیت در زمینه مقابله با این پدیده آغاز شده است. با مراجعه به بیش از ۷۵ منابع مستند گزارش کارونه و همکاران (کمیسیون اروپا) و گزارش های فراوان دیگری که در این زمینه توسط دیگران در کشور های پیشرفته به خصوص اروپا، استرالیا و آمریکای شمالی منتشر شده، مشخص می شود که بحران پیری جمعیت در این جامعه بسیار حاد و نگران کننده است. این نگرانی یک پدیده جهانی برای کلیه کشورها به خصوص کشورهای پیشرفته است که در مسیر توسعه به لحاظ مواجهه با مسائل مستحدثه در خط مقدم برخورد با موانع تداوم رشد و پیشرفت قرار می گیرند و لذا طبیعی است که زودتر به نواقص عملکرد مدل های توسعه خود پی می برند. واگر خوب دقت شود این سرخوردگی می تواند فرصت خوبی برای کشورهایی باشد که هنوز به این مرحله توسعه ورشد نرسیده اند و می توانند با عبرت از این گذرگاه عبور نکنند و راه بهتری را برگزینند و مدل رشد و مسیر پیشرفت

<sup>14</sup> - Ageing Workink Group (AWG)



خود را تصحیح کنند. بی تردید نگرانی از پیری جمعیت ناشی از معضل تناقض توسعه‌ی که وقوعش قطعی است.

دومین عبرت اعتراف به آثار مستقیم سالخوردگی روی کاهش عرضه کار، کیفیت نیروی کار، کاهش سرمایه انسانی و افزایش شدت سرمایه ۱۵ (نسبت سرمایه به نیروی کار)، کاهش بهره‌وری نیروی کار، ابداع، نوآوری و پیشرفت فنی نیروی کار و فناوری و افزایش سهم هزینه‌های عمومی در بودجه اتحادیه است. پر واضح است که وقتی بیش از ۷۰ درصد نیروی کار را سنین ۱۵ تا ۶۰ سال تامین می نمایند، پیری جمعیت می تواند اقتصاد واقعی را از طریق کاهش در نشاط و انرژی نیروی کار و دیگری از طریق کاهش بهره‌وری تهدید نماید. این گزاره در گزارش کمیسیون اروپا تاکید شده است. (کارونه و همکاران، ۲۰۰۵، ۱۳ و ۸) همینطور شورای عالی تجاری بریتیش کلمبیا (۲۰۰۹، ۱۲-۹) نیز در پروژه چشم انداز سال ۲۰۲۰ آثار پیری را بر کاهش بهره‌وری عامل و مهارت و کمیت نیروی کار تایید کرده است. دنتون واسپنسر (۱۹۹۸) نیز تاکید دارند که علاوه بر آثار افزایش سن جمعیت بر طرف تقاضا یعنی افزایش هزینه‌های عمومی سالمندان، باید به آثار سوء طرف عرضه و ظرفیت تولید کشور در کانادا توجه شود. در گزارش بلوم و همکاران (۲۰۰۸) که برای کمیسیون رشد اقتصادی بانک جهانی تهیه شده مشکل کاهش نرخ رشد اقتصادی کشور های حوزه اتحادیه اروپا بر اثر افزایش سنی جمعیت و کاهش نیروی کار هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی تا افق سال ۲۰۴۰ پیش بینی شده است.

سومین عبرت، سیاست‌های جایگزینی این عارضه کاهش جمعیت است که سالهاست دنبال می شود و ناگزیر از پذیرش آن شده اند. بخشی از این سیاست انفعالی است. مثل افزایش سهم اشتغال زنان در جامعه که به تدریج جایگزین کمبود نیروی کار مردان شده است. و ناشی از افزایش میل به رفاه بیشتر در جامعه غربی و همچنین هزینه‌های زندگی خانوار و افزایش ارادی سهم اشتغال زنان به میل خانوارها است. این معضل نیز به مصداق شعر مولوی «نی است که با سوختنش خودش شمع مزار خویش» شده است. هجوم نیروی کار زنان منجر به یک دور باطل جدید شده و اشتغال اینان نرخ باروری را مجدداً کاهش و با کاهش باروری مجدداً میل به استخدام نیروی کار به عنوان جایگزین نیروی کار مردان ضروری تر می شود. بزرگترین خطر این پدیده نیز تضعیف نظام خانواده و پرورش

---

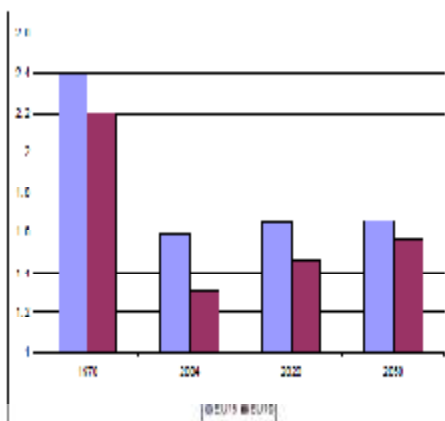
<sup>15</sup> - Capital Intensity

فرزند و به نوعی یکی از عوامل فرو پاشی خانواده در غرب است. آپس و همکاران (۲۰۰۷)، ۷۹) علت پیری جمعیت را تخصیص نیروی کار زنان از محیط خانه به بازار و واکنش طبیعی آن یعنی کاهش باروری بوده است. در تحقیق ایشان مشخص می‌شود که افزایش عرضه نیروی کار زنان در بازار رابطه مثبتی با افزایش پس انداز، خرید بیمه درمانی خصوصی و افزایش مراقبت‌های بهداشتی دارد. علت دیگر ناگزیری از پذیرش سهم اشتغال زنان به دلیل کاهش جمعیت فعال است.

بخشی نیز تدبیری است که برای جایگزینی جمعیت از نیروهای خارجی مهاجر ترتیب داده شده است و سالهاست سرمایه از دست رفته فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه ای مثل ایران نصیب کشورهای غربی می‌شود سیاستی که یک طرف آن باخت و طرف دیگر «برد» برای کشورهای غربی است. گرچه شاید راجع به سرریز جمعیت غیر ماهر کشور های در حال توسعه این سیاست مهاجر پذیری به نظر خوشایند باشد ولی در دراز مدت به نفع کشورهای مهاجر پذیر خواهد بود. زیرا اولاً سرمایه گذاری اولیه تا مرحله جوانی عدم منفی است که از جیب کشورهای در حال توسعه خرج شده و به نفع کشور مهاجر پذیر از دست می‌رود. ثانیاً با وجود نرخ بیشتر زادوولد در مهاجرین وزنه جمعیتی به نفع کشور مهاجر پذیر خواهد بود. به خصوص که میل بازگشت به وطن معمولاً تضعیف می‌شود. ثالثاً ارزش افزوده کار آنها نصیب کشور مهاجر پذیر می‌شود. حال اگر کارگر ماهر و یا نیروی کار از نخبگان باشد به مراتب این زیان برای کشوری که نیروی خود را از دست می‌دهد سنگین تر خواهد بود. در گزارش کارونه و همکاران (۲۰۰۵، ۹) تاکید می‌شود که مهاجرت می‌تواند به پایداری عمومی طرحهای بازنشستگی کمک کند مشروط به اینکه مهاجرین در بخش اقتصاد رسمی بکارگرفته شوند و با بازار کار انطباق داده شد و در پوشش آمار رسمی بیایند اما در بررسی آنها متوجه می‌شوند که نرخ بیکاری مهاجرین در این کشورها ۲ تا ۳ درصد بیشتر از نیروهای بومی است و مشکل اصلی ادغام مهاجرین در بازار کار است. طبق گزارش اینان جریان خالص مهاجرت به ۲۵ عضو اتحادیه در سال ۲۰۰۴ ۱/۳ میلیون نفر و ۰/۳۵ درصد جمعیت این کشورها بوده است. پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت مهاجر به سقف ۴۰ میلیون نفر برسند. اینان تاکید می‌کنند که الحاق اعضای جدید به اتحادیه اروپا نقش حیاتی دارد زیرا جابجایی نیروی کار را آسان تر و کاملتر و نقش جبرانی

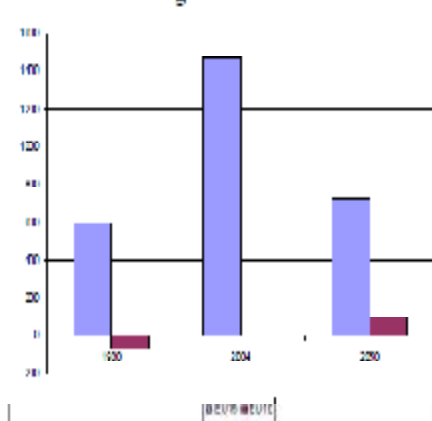
آن را در پیری جمعیت بهتر ایفا خواهد کرد. (کارونه و همکاران، ۲۰۰۵، ۲۰ و ۱۷) (نمودار شماره ۴- ذیل):

Graph 2 - Past and projected fertility rates



Source: EPC and European Commission (2005).

Graph 3 - Past and projected annual net migration flows



Source: EPC and European Commission (2005).

بدیهی است که جمهوری اسلامی ایران پس از تجربه کاهش نرخ باروری در دهه گذشته باید به فکر تجدید نظر در ترکیب سنی جمعیت باشد. روند نگران کننده فرار مغزها در سه دهه گذشته، افزایش نرخ و نسبت اشتغال زنان در بازار کار، تورم و افزایش هزینه های زندگی به خصوص هزینه های بهداشت و تحصیل کودکان و مسکن متاهلان و تغییر الگوی مصرف و افزایش رفاه زندگی، میل به تحصیل دختران و به عقب انداختن ازدواج و افزایش سن ازدواج، مشکل پیدا کردن شغل و درآمد کافی برای پسران، بهبود شاخص امید به زندگی ۱۶ و افزایش شاخص سلامتی و طول عمر همه و همه از عوامل کاهش باروری و پیری جمعیت هستند. با وجود زمینه های سالخوردگی جمعیت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بدون توجه به عامل انسانی جوان غیر ممکن خواهد بود. لازمه پیشرفت نشاط، نیرو، تلاش، تحرک، ابداع و نوآوری و امید به آینده است جوان ظرف و موتور فکری، معنوی، مادی، یدی و فیزیکی پیشرفت است ظرفی است که مظلوفش پیشرفت است بدون این ظرف تحقق مظلوف ناممکن است. در واقع اگر این عامل مهیا نباشد تهیه ابزاری چون دانش، سرمایه، مدیریت، و سایر عوامل علت کامل و معده ای برای پیشرفت نخواهند شد و

<sup>16</sup> - life expectancy index

به عبارت دیگر نبود عامل انسانی مستعد در الگوی پیشرفت، پیشرفتی است که خود مانع پیشرفت خودش می‌شود که از آن به عنوان تناقض توسعه (پیشرفت) یاد شد.

عبرت چهارمی که باید از این چالش بزرگ تمدن غرب گرفت نسخه‌های تجویز شده از سوی غربی‌ها برای کشورهایی چون جمهوری اسلامی است که آغشته به اغراض سیاسی و براندازی این نظام مقدس است. اینان مانند گفتار و یا کرکسی می‌مانند که در بالای سر منتظر نفس آخر پیکر ما هستند. ترویج مواد مخدر، تبلیغات فحشا و مستهجن با استفاده از انواع وسایل و مشروبات الکلی همه در راستای استحاله نسلهای کشورهای مقاوم در برابر ظالمان و مستکبران است. پیر کردن جمعیت مسلمانان و بخصوص شیعیان به معنای مرگ تدریجی اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهد بود. زیرا این نظام تمام معادلات استعماری و اهداف اشغالگری و غارت منابع کشورهای دیگر و از جمله ایران را بهم زده است. در این خصوص به چند سند اشاره می‌شود: فیایپ جینکینز استاد تاریخ دانشگاه کمبریج مدیر برنامه مطالعات دین می‌نویسد: «نرخ باروری کم ممکن است ایران را به صورت اساسی تری تغییر شکل دهد... با وقوع کمتر این آئین‌های مذهبی که بنیان تجربه مذهبی برای بسیاری از افراد هستند روابط شما با کلیسا و مسجد ضعیف می‌شود... از قدیم بیشتر کشورهای خاورمیانه و جوامع اسلامی نرخ باروری بیشتری داشته‌اند ولی در سالهای اخیر نرخ باروری در هیچ کشوری غیر عادی‌تر از ایران نیست! ... شما می‌بینید که برخی از بالاترین نرخ‌های تولد در جهان اسلام در جاهایی مثل عراق، سومالی، سودان، افغانستان و غزه هستند، درحالی‌که کمترین نرخ‌های تولد در کشورهای، مثل ایتالیا، ژاپن و آلمان هستند. واضح است که نرخ تولد پایین در ایران می‌تواند تغییرات بی‌سابقه و بسیار مثبتی را برای ما نشان دهد.» (وب‌گاه نیو ریپوبلیک - با عنوان «هلال ناباروری») ۱۷ در مصاحبه وال استریت ژورنال واشنگتون با زبیبگنیو برژینسکی کارشناس سیاسی امور ایران و مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر که در تاریخ جمعه ۵ مارس ۲۰۱۰ انجام گرفته در پاسخ به سؤال بلند پروازی هسته‌ای ایران را چگونه مدیریت کنیم می‌گوید «از فکر حمله پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و به مذاکره با تهران ادامه دهید. از همه مهمتر: بازی را طولانی کنید، چرا که زمان، آمارهای جمعیتی و

<sup>17</sup> - [www.Newrepublic.com/atticle/Infertile crescent](http://www.Newrepublic.com/atticle/Infertile crescent) به نقل از مجموعه فایل‌های منتشر شده همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات مختلف جامعه، ۹ آبان، ق.م. ۱۳۹۲

تغییر نسل به نفع رژیم کنونی نیست. «وب گاه وال استریت ژورنال» ۱۸ مشابه همین اظهارات برای تحدید جمعیت کشورهای اسلامی در تحقیق هنری کسینجر وزیر امور خارجه وقت آمریکا که یک صهیونیست است، آمده است. این گزارش تا سال ۱۹۹۰ ممنوع انتشار بود. ۱۹ طبق گزارش وب گاه سازمان برنامه ریزی جمعیت رژیم صهیونیستی ۲۰ نرخ رشد جمعیت رژیم اشغالگر قدس در حدود ۳ درصد به مراتب بیشتر از کشورهای منطقه است. این جمعیت بی هویت بنا به نقل از وب گاه برنامه امنیت ملی این رژیم جمعیت این کشور مرتباً همزمان با رشد در حال جوانتر شدن است. ۲۱ بطوریکه در سال ۲۰۱۳ در هر م سنی سهم افراد ۰ تا ۱۴ سال ۲۸٪ و سهم افراد ۱۵ تا ۶۴ سال ۶۲٪ درصد و تنها ۹/۹ درصد ۶۵ سال به بالا داشته اند. بی تردید این مسابقه یک مسابقه در راستای توسعه قلمرو اشغالی و برای تفوق نظامی، سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه است.

#### ۵- نگرش اقتصادی به جمعیت - روش کنترل هزینه متغیر جمعیت

بی تردید عامل اصلی اقتصادی سیاست کاهش جمعیت از سوی دولت ها گریز از افزایش هزینه های عمومی خدمات اجتماعی بوده است. بین ساختار سنی جمعیت و فشار مالی یک رابطه مستقیم وجود دارد در کار پژوهشی رضا کیهانی حکمت (۵، ۱۳۸۵-۴) اثبات می شود که در کشور ما نیز «متغیرهای جمعیتی روی اندازه دولت و رشد اقتصادی تاثیر دارد. این معنا در کار عرب مازار و کشوری شاد (۱۳۸۴) نیز تایید شده است. همچنین ساختار سنی جمعیت بار تکفل پیرو جوان بر اندازه خارج (آموزشی، اجتماعی، بهداشتی، دفاعی، رفاهی و خدمات اقتصادی و عمومی و فشار مالی بر دولت موثر است. افزایش نسبی جمعیت پیرو جوان سبب افزایش سهم تولید ناخالص داخلی اختصاص یافته به خدمات اجتماعی می شود. همینطور نسبت مخارج آموزش به تولید ناخالص داخلی بطور معنی دار تحت تاثیر جمعیت جوان کشور قرار می گیرد و نسبت مخارج بهداشتی و رفاهی به تولید ناخالص داخلی نیز با اندازه جمعیت سالخوردگان

<sup>18</sup> - به نقل از مجموعه فایل های منتشر شده همایش ملی تغییرات جمعیتی [Online.WSJ.com/news/article](http://Online.WSJ.com/news/article) - (همان ماخذ)

<sup>19</sup> - همان مرجع

<sup>20</sup> - [jppi.org.il/uploads/Jewish\\_Demographic\\_Policies](http://jppi.org.il/uploads/Jewish_Demographic_Policies).

<sup>21</sup> - [www.israelnsp.org/what-they-say/.../israels-demographic-challen.html](http://www.israelnsp.org/what-they-say/.../israels-demographic-challen.html)

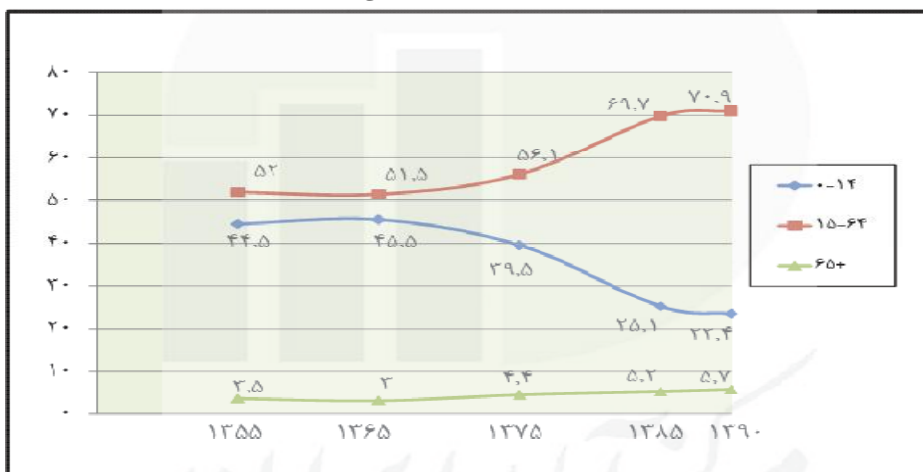
## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌پشت و خرداو ۱۳۹۳

در جمعیت در حال رشد است.» و جالب اینکه در مقطع زمانی مورد بررسی یعنی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ نیز نتیجه می‌گیرد که «به دلیل نرخ بالای زاد و ولد در کشور انتظار می‌رود که فشار مالی مخارج اجتماعی کاهش یابد.» از یک طرف دولت‌ها با افزایش سهم جمعیت جوان مواجه با افزایش هزینه‌های آموزشی می‌شوند و از طرف دیگر در مقابل با افزایش سهم جمعیت سالمندان دچار افزایش هزینه‌های بهداشتی، بازنشستگی و اجتماعی می‌شوند. اگر به روند تغییرات سهم سه گروه عمده سنی جمعیت از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ در نمودار پایین توجه شود ملاحظه می‌شود که از نظر فیزیکی و کمی نیز این تقابل بین سهم دو گروه سنی زیر پانزده سال و بالای ۶۵ سال وجود دارد. در نمودار دوم که با استفاده از داده‌های سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ در جدول شماره ۱ این تحقیق درج شده نیز این تقابل وجود دارد.

نمودار شماره ۵- روند تغییرات سهم سه گروه عمده سنی جمعیت از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰



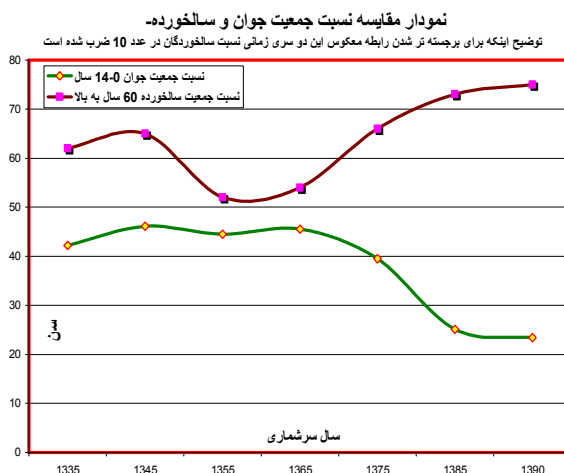
ماخذ: مرکز آمار ایران

نمودار شماره ۶

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

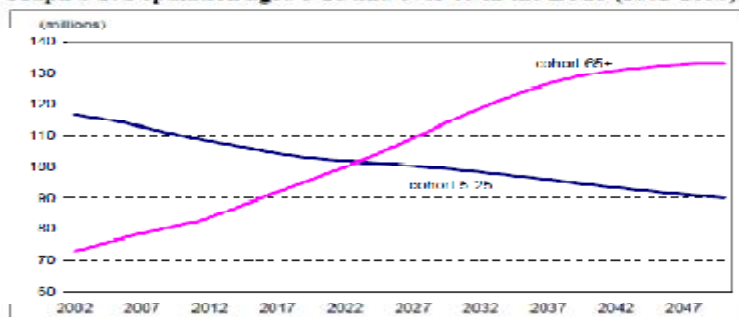
ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳



جالب توجه است که این تقابل در آمار جمعیت کشورهای اروپایی نیز مشاهده می شود. در نمودار ذیل این وضعیت به تصویر کشیده شده است.

نمودار شماره ۷- جمعیت سنین ۲۵ تا ۶۵ سال و ۶۵ در ۲۵ عضو اتحادیه اروپایی

Graph 6-1: Population aged 5-25 and over 65 in the EU25 (2002-2050). Millions



Source: Eurostat.

ماخذ: Economic Policy Committee and the European Commission (DG

ECFIN), (2006), p.168"

با توجه به دغدغه دولت‌ها برای کاهش هزینه‌های اجتماعی برای جمعیت جوان و سالخورده به نظر می‌آید راه حلی برای این تقابل ظاهری هزینه‌ها وجود داشته باشد. شاخصی که باید در این راه حل معرفی شود هزینه سرانه آموزش و سایر هزینه‌های جمعیت جوان (Ey) و در مقابل هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و بازنشستگی و اجتماعی جمعیت سالمند (Ho). انتظار می‌رود رفتار این دو متغیر نیز همچون متغیر موکل خود

یعنی تعداد جمعیت جوان و سالمند نیز یک رابطه معکوسی داشته باشند. در نمودار فرضی ذیل این روابط رسم شده اند: طبق فروض گفته شده شرط بهینه سازی هزینه های اجتماعی جمعیت جوان و سالمند انتخاب نقطه تقاطع دو منحنی است که در نمودار فرضی ذیل در نقطه ۴/۵ محور افقی در سطح فرضی ۴۵ میلیون نفر و و سن حدود ۲۷ سال و در منحنی مجموع در نقطه حداقل حاصل شده است ۲۲. در صورت دسترسی به دو سری داده می توان ابتدا دو تابع را برازش و نقطه تعادل و تقاطع آنها را از طریق ریاضی بدست آورد. لذا اگر تابع هزینه جمعیت جوان حاصل جمع ۴ قلم هزینه تعلیم، بهداشت و درمان، ورزش و ازدواج و تابعی از تعداد جمعیت باشد:

$$Ey(E, H, S, M) = f(Po)$$

و تابع هزینه سرانه جمعیت سالمند مشتمل بر هزینه های مراقبت های بهداشتی و درمان، بازنشستگی، مراقبت های اجتماعی باشد:

$$Ho(H, P, C) = f(Po)$$

در این صورت با مساوی قرار دادن دو تابع مقدار دو متغیر مجهول تعداد جمعیت و میزان هزینه حداقل که ترکیب دو گروه سنی در آن مشخص شده بدست می آید. راه مکمل دیگر ترکیب دو تابع و برازش یک تابع از دو گروه است. در این صورت با مشتق گرفتن از تابع مجموع نسبت به متغیر جمعیت و برابر صفر قرار دادن آن نقطه حداقل تابع بدست می آید و با قرار دادن این مقدار در تابع مقدار دو مجهول تعیین می شود

$$\frac{\partial EHy_o}{\partial PO} = 0$$

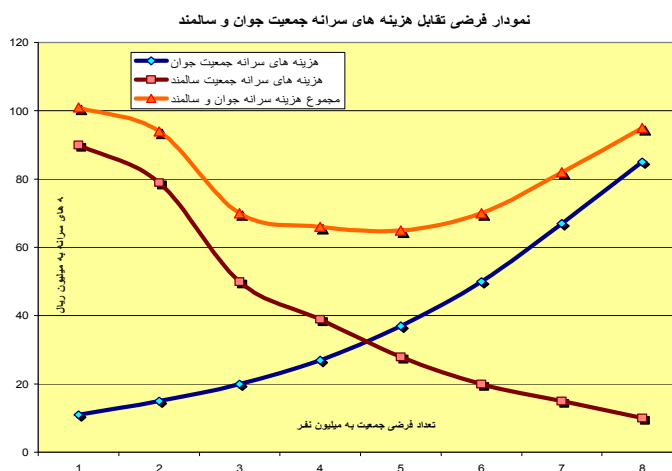
در این الگو انتخاب دامنه ترکیب سنی دو گروه سنی جوان و سالمند نقش اساسی در تعیین دقیق نقطه بهینه دارد. زیرا تفکیک و ترکیب هزینه های اختصاصی هر گروه سنی در انتخاب ترکیب سنی بسیار موثر است. در واقع امکان دسترسی به داده های قابل تعریف و تفکیک برای هر گروه سنی محقق و متولی را وادار به انتخاب دامنه سنی دو گروه می کند. مثلاً اگر تنها هزینه های مورد نظر دولت، هزینه های آموزشی جوانان تا مقطع تحصیلی پایان دکترا باشد ترکیب سنی از ۶ سالگی تا ۲۵ سالگی به عنوان گروه سنی جوان باید

۲۲ - متاسفانه برغم پیگیری بعمل آمده داده های لازم برای برازش دو مدل فراهم نگردید.



انتخاب شود. اگر هزینه های مراقبت اطفال نیز مد نظر باشد باید گروه سنی از ۰ تا ۲۵ سال انتخاب شود منوط به اینکه بتوان داده های لازم از هر دو هزینه را بدست آورد.

## نمودار شماره ۸



## ۶- ابعاد چالش بحران مالی و اقتصادی

با توجه به مباحث ادبیات موضوع درباره ریشه ها، عوامل، زمینه ها و آثار بحران اقتصادی اقتصاد سرمایه داری و به خصوص ارائه برخی از ویژگی های بخش مجازی اقتصاد در اینجا انسان را به یاد آیه قرآن می اندازد که می فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ - کسانی که ربا می خورند، (از گور) بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند رباست.) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست، و کارش به خدا واگذار می شود، و کسانی که (به

ربا خواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۲۷۵) يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ۲۷۶ - خدا از (برکت) ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۶) - یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربا اضعافا مضاعفه و اتقوا الله لعلکم تفلحون و اتقوا النار التي اعدت للكافرين؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید! و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است «

کلام الهی هفت عمق دارد. لذا تفسیر آیات نیاز به تخصص ویژه مفسرین دارد. در اینجا تلاوت و معنی این آیات دو نکته مهم را در ذهن متبادر می‌سازد اول اینکه بیع مثل ربا نیست، و یک معنی آن می‌تواند مقوم جدایی بخش فعالیت های حقیقی اقتصاد از فعالیت های سفته بازی، دلالی در بخش مجازی و خودکامگی و ولنگاری بخش مجازی باشد و نکته دوم در آیه «ضعافاً مضاعفه» نیز مقوم مفهوم چند برابر شدن و حبایی شدن کاذب بخش فعالیت‌های پولی و مالی و سفته بازی بخش اقتصادی مجازی باشد.

از نتایج کار محققین بر می‌آید که بحران از یک طرف متغیرهای پولی و مجازی را متورم و حبایی کرده است و بخش اقتصاد سایه و مجازی بوجود آورده که مشخصه اش سفته بازی و خلق پول با پول و از پول، تکاثر ثروت بی پشتوانه، سرعت مبادله ای سایه بدون هرگونه مبادله در بازار کالاها و خدمات حقیقی، خودکامگی، سیالیت، پول شویی، جریبان سازی و مدیریت تاثیر گذار بر بخش حقیقی اقتصاد است. از طرف دیگر متغیرهای حقیقی دچار انقباض و تضعیف شده اند. به عبارت ساده تر بخش واقعی مغلوب سایه خود شده است. این معضلات مجدداً حجتی برای اندیشمندان علوم انسانی و بویژه علم اقتصاد و به خصوص دفتری از عبرت برای طراحان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

پذیرش چشم بسته الگوهای اقتصاد سرمایه داری و نسخه پیچیدن آنها برای اقتصاد بومی ما یکی از امراض مسری در بین بسیاری از اقتصاد دانان ما است. الگوهایی که اکنون، همانند تجربه شکسته شدن استخوان های الگوهای نظام سوسیالیسم شاهد خرد شدن مبانی آن هستیم و لذا در اینجا همچنان پیام و نصایح حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) به میخائیل گورباچف را درباره پوچی نظام سرمایه داری یادآوری می‌شود. در اوج نظریه پردازی اقتصاد مکاتبی چون پیروان دور های حقیقی تجاری ظهور کردند که تا حدودی به اثر متغیرهای حقیقی طرف عرضه و یا اختلال پولی کل با اعتقاد به قابلیت سرایت اثرات آن

به بخش تولید و حقیقی اقتصاد در بروز نوسانات و ظهور دور های رونق و رکود توجه کرده اند. اخیراً دنیا مواجه با نظریات پیروان مکتب نهاد گرایی شده که موضوع اثر متغیرهای ساختاری و نهادی و ارزشی را باور دارند. ولی این باور از سوی امثال این مکاتب هنوز به یقین نرسیده و با ابراز نظرهای گوناگون در جمع خود خواننده را در نتیجه گیری اینکه اینان بالاخره چه پیام مشخصی برای جامعه اندیشه دارند، به تردید می اندازند. از این فراتر در ادبیات علم اقتصاد جدیداً اندیشمندانی پیدا شده اند که پا را فراتر از قفل های بسته نظریه های آکادمیک گذاشته و در ارتفاعی بالاتر از کرسی های غالب اندیشمندان، اقتصاد سرمایه داری را رصد می کنند. اما حتی متأسفانه کمتر شاهد ظهور افرادی هستیم که با اعتماد کامل به نقادی مبانی پردازند. دلیل این پدیده فقدان «میزان» در استناد است. طبیعی است که بشر به محدودیت های خود به خوبی آگاه است. فلذا همیشه قضاوت و پیش بینی حتی از سوی خود را که با مبانی، روش و اطلاعات بهنگام و کامل انباشته شده و با علم حضوری و حصولی ابراز شده، با احتمال و تردید بیان و منتشر می سازد.

#### ۱-۶ نقد نظریه نظریه پردازان دل‌باخته غرب

شرایط و وقایع کنونی بحران اقتصادی در غرب حاصل و دستاورد حاکمیت بیش از دو بیست سال مدلی است که ادعای الگو بودن داشت. همانگونه که در ادبیات موضوع بطور مختصری اشاره شده با بروز نواقص اساسی اقتصاد سرمایه داری در عمل، اکنون غربی ها مشغول تجدید نظر در ادبیات بافته های علم اقتصاد خود شده اند. ولی ظاهراً برای طرفداران آنان در برخی از مجامع دانشگاهی ما باور این شکست مشکل است و باصطلاح «کاسه داغتر از آتش» شده اند. لذا در اینجا مختصراً به ادعاهای برخی پاسخ داده می شود. به طور مثال یکی از این افراد معتقد است که « هنر سرمایه داری عبور از بحران است کما اینکه صندوق بین المللی پول نیز برآورد کرده از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ بیش از ۱۲۴ بحران بزرگ در کشورهای سرمایه داری شکل گرفته است که همه آنها نیز پشت سر گذاشته شده اند.» و در ادامه افزوده که « این فرصت برای نیروی کار پدیده آمده که بتوانند به موازات قدرت گیری عامل سرمایه از طریق تسهیل سازمان یابی نیروی انسانی در قالب اتحادیه ها یک قدرت هم سنگ در برابر سرمایه ایجاد کنند. در شرایط فعلی و تحولات رخ داده در کشورهای صنعتی، قدرت چانه زنی این اتحادیه ها رو به نزول گذاشته و این

واکنش‌ها نوعی تلاش اولیه برای سازمان‌یافتگی بیشتر جامعه مدنی در برابر قدرت ساختاری سرمایه است و این نه به معنای مرگ سرمایه‌داری بلکه به معنای ایجاد دگرگونی‌های بنیادی سیاسی و اقتصادی در ساختار قدرت و موازنه نیروهای اجتماعی است. این سخنان به هیچ‌وجه به معنای بهترین گزینه بودن سرمایه‌داری نیست. همان‌طور که معنای مرگ آن را هم نمی‌دهد! ساحت علم، ساحت واقع‌بینی است و نسبتی با شعار مرده باد و زنده باد ندارد.»

اگر خوب دقت شود تناقض و بی‌اساس بودن ادعای فرد اول در درون استدلال خودش نهفته است. اصولاً اقتصاد سرمایه‌داری نئوکلاسیک بر اساس مبانی ذیل شکل گرفته است: اصل مالکیت خصوصی و حاکمیت سرمایه و ثروت بر تمام شئون اقتصاد جامعه، نفع و لذت شخصی، حاکمیت ربا در بازار سرمایه و پول، اصل عدم مداخله دولت در اقتصاد، رقابت و کارایی دست‌نمائی در ایجاد تعادل‌های اساسی در بازارها، اصل ادعای عقلانیت کامل، روند بلندمدت تحقق تعادل در بازارها...

طبق گفته بالا اولاً اگر جنبش کارگری بر علیه حاکمیت سرمایه و برای سازمان‌یافتگی بیشتر جامعه مدنی در برابر قدرت ساختاری سرمایه است نشان از دو چیز است یکی سرکوب سرمایه انسانی و عامل نیروی کار در نظام مزبور و دیگری مقابله با این نظام با محور قدرت سرمایه است که طبق ادعای ما بحران سرمایه‌داری دچار آن شده است. ثانیاً به تناقض گفتار فرد اول توجه شود که در یک نظام وقتی دگرگونی بنیادی رخ دهد دیگر آن نظام، نظام پیشین نخواهد بود بلکه نظام دیگری با موازنه قوای نیروی کار و سرمایه جدید خواهد بود. ثالثاً این ایشان اضافه نموده که: «...به قاعده تجربه‌های نیم‌قرن گذشته نوعی تفاهم عمومی در سطح نظریه‌پردازان بزرگ و استراتژیست‌های کشورهای صنعتی پدید آمده که در شرایط جدید از منظر سامان نظام‌های اقتصادی هیچ جامعه‌ای با اتکا به دولت یا به بازار به تنهایی قادر به پیشرفت نخواهد بود و استفاده از ترکیب خردمندانانه بازار و دولت اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، این بلوغ نظری به وجود آمده است که دولت و بازار در کنار تمامی وجوه مثبت خود از درماندگی‌های مختص خود نیز در رنج هستند و هر دولتی که به بالندگی و توسعه علاقه‌مند است برای آنکه از دستاوردهای دولت و بازار استفاده کند و از درماندگی‌های آن مصون بماند، تلاش گسترده‌ای برای تقویت جامعه مدنی را در دستور کار قرار داده است. حضور نهادها و تشکل‌های مدنی بر فراز دولت و بازار، شفافیت اطلاعات و

مشارکت‌آمیز کردن فرآیند تخصیص منابع را موجب شده است و به این اعتبار، وجه اجتماعی زندگی مردم دستخوش ارتقای سطح و منزلت بی‌سابقه‌ای شده است. بنابراین، رشد و بالندگی نهادهای مدنی و جنبش‌های اجتماعی از این منظر مرهون انقلاب دانایی است...» این توجیه نیز برخلاف مبانی سرمایه داری است که اصل دخالت و حضور دولت در بازار را نفی می‌کند و اتفاقاً سردمداران غرب در اجلاس داووس سوئیس و محققین در نوشته‌های خود پشیمانی خود را از عملکرد رهایی اقتصادی به دست بانک‌ها و بنگاه‌های بزرگ خصوصی اعلام نمودند. رابعاً نامبرده جنبش وال استریت را انقلاب دانایی نام گذاشته است. تناقض دیگر در این بیان نفس‌واژه «انقلاب» است که دقیقاً به معنی زیرو رو کردن یک نظام و در اینجا نظام سرمایه داری است. به علاوه تاکنون که نظام سرمایه داری ادعای عقلانیت کامل داشت چطور شد دوباره بر سر عقل آمده است؟ روشن است که ایشان دنبال توجیه و دفاع از یک مسئله باطل است.

فرد دیگری ادعا کرده که «محور لیبرال دموکراسی در غرب «سرمایه‌ی انسانی است و نه «سرمایه‌ی پولی»! خوشبختانه پاسخ خوبی در جواب ایشان در ادبیات موضوع ارائه شد. در جواب کلی به این فرد باید اضافه نمود که این چه سرمایه انسانی است که اکنون مواجه با قیام سرمایه انسانی شده است. و یا چه سرمایه‌ای است که مجدداً مواجه با انقلاب دانایی بنا بر قول فرد اول شده است و یا بالاخره بنا بر اذعان خود غربیها ریشه بحران اخیرولنگاری بازار پول و نهاد‌های مالی بودند. چه دلیلی برای اصرار شما بر این نظریه بی‌سندی است که صاحبان اصلی را به اعتراف واداشته است. کدام دوربین اقتصاد اخیراً حادثه رونق و رکودی ضبط نموده که عامل شروع این بحران باشد؟ شخص دیگری در کسوت رشته جامعه‌شناسی ادعا نموده که اقتصاد غرب در بحران نیست بلکه در حال پوست اندازی است!

در پاسخ به این فرد نیز باید گفت که یکی از علائم موفقیت یک اقتصاد ایجاد تعادل همه‌جانبه در سطح بالای بهره‌وری در کلیه بازارها است. اقتصاد سرمایه داری ادعا داشته که در تمام شئون نفع شخصی موجب تامین نفع اجتماعی می‌شود و در تمام بازارها تعادل در سطح کارایی برقرار خواهد شد. اکنون جا دارد به این سؤال پاسخ دهند که در کدام شئون نفع شخصی موجب تامین نفع اجتماعی شده و در کدام بازارها تعادل در سطح کارایی برقرار شده است؟.

- آیا عدالت در توزیع ثروت و درآمد بوجود آمده است؟ آیا همه برخوردار از کل رفاه شده اند؟ منافع شخصی اقلیت ها و ضعفا تامین شده است؟
- اگر در بازار کار تعادل برقرار شده چرا اکنون نرخ بیکاری به بیش از دوازده ( و در کشورهایی مثل یونان و اسپانیا به بیش از ۲۵) درصد رسیده است؟ چرا نیروی ماهر را همچنان از خارج و عموماً با طعمه گذاری و دزدی و فراری دادن مغزها تامین می کنند؟ اگر تعادل در بازار کار وجود دارد چطور جامعه غربی رو به پیری و دچار بحران کهولت سن شده که خود بزرگترین تناقض توسعه ای در غرب است؟
- در بازار پول کدام تعادل بوجود آمده آیا کسری شدید و بدهی انباشته نشان از عدم تعادل نیست؟ بحران مالی کنونی حاصل عملکرد کدام بخش از اقتصاد است؟ چرا امثال جورج سوروس با خارج کردن سرمایه از بازار باید شالوده ۲۰ ساله اقتصاد جنوب شرقی آسیا را بهم زده و حاصل دسترنج بیست ساله بسیاری از آنها را نابود کند؟
- در بازار سرمایه نظامی که دویست سال است به خود می بالد و شما چشم بسته از کنید! چرا باید حجم انباشت بدهی بوجود بیاید؟ در کفه مقابل بدهی، دارایی وجود دارد این دارایی ها کجا است؟ در دست سرمایه انسانی مورد ادعای شما است یا صهیونیست های حاکم بر هستی دنیای مسیحیت؟ این همه حباب کاذب بخش مجازی در بازار سرمایه و جابجایی های موجی که علامت عدم تعادل در بازار سرمایه است چگونه از چشم بسته امثال اینان دور مانده است؟
- در بازار کالاها و خدمات آیا این همه تلاش برای سد شکنی تعرفه ها و محدودیت های کمی تجاری در کشورهای جهان سوم با ابزارهایی چون سازمان تجارت جهانی نشان از ناکارآمدی نظام سرمایه داری نیست؟ و آیا نمی بینند که این بازی ها ابزار حل مشکل اشباع بازار آنها و مشکل بیکاری «جایگزینی انسان به تبع کاربرد ماشین» شده است و با فریب به دنبال فرا فکنی و تحمیل مشکل خودشان بر دوش ملل مستضعف هستند؟ با وجود موانع مذکور چه تعادلی بروز خواهد کرد؟
- آیا تعادل زیست محیطی بوجود آورده اند؟ پس این همه نگرانی در مورد اثرات زیست محیطی فعالیت های صنعتی کشور های غربی و زیرپا گذاشتن مصوبات کنفرانس ریو نشان از چیست؟

- آیا الگوی مصرف و تولید آنها متعادل است؟ پس این عقب کرد به طبیعت نشان از چیست؟ در دهه گذشته هرچه امراض ناشناخته مانند ایدز، جنون گاوی، انفلونزای مرغی و خوکی و غیره شایع شده منشاء غربی داشته که یا از آنجا شروع شده و یا حاصل آزمایشات این انسان نماها در کشور های کم توسعه بوده است که جولانگاه جنایات آنها است. و ...

اما برخلاف قلمروی سکولار و سرمایه داری بی بنیان، برگ برنده و برجسته قلمرو اندیشه در محیط مکتب و دانش اقتصاد اسلامی وجود «میزان» و بلکه «موازن مستحکم» است. لذا شهید محمد باقر صدر در کتاب خود، کار محقق را اکتشاف و جستن ساختمان تئوریک براساس نصوص قرآن و سنت می داند که قبلاً تکمیل شده است. مکرراً در ادبیات فقه الاقتصاد از قول موازین حکمت و دانش یعنی ائمه اطهار علیهم السلام به پیروان و دولتمردان با صراحت تام بر فعالیت‌های حقیقی اقتصادی چون کشاورزی و صنعت تأکید می شود. امام ششم علیه السلام در روایتی می فرمایند در میان کارها هیچ کاری نزد خدا محبوبتر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را را بر نینگیخت مگر آنکه کشاورز بود به جز ادریس که خیاط بود. (ری شهری، ۱۳۸۵) در عوض حضرت ایشان در بیان دیگری پیش شرط تجارت را آشنایی به احکام حلال و حرام دین می دانند که اگر آموخته نشود تاجر به ورطه شبهات می افتد و یا پیامبر اکرم (صلی ... علیه و آله) می فرمایند: کسی که خرید و فروش می کند باید از پنج کار دوری گزیند و گرنه نباید خرید و فروش کند: با سوگند، پوشاندن عیب کالا، تعریف و تبلیغ در موقع فروش و بد گویی از کالا در موقع خرید آن. (ری شهری، ۱۳۸۵) از مقایسه این دو دسته سخن برمی آید که انجام فعالیت های فراتر از تولید همراه با وقوع خطر هایی است که در دایره تولید مفید قرار ندارند و برخلاف آن آغشته به اعمالی کذب می شوند. اینکه در روایات بر فعالیت‌های کشاورزی، صنعت و خدمات مفید و حقیقی تأکید می شود، دلیل بر وجود منافع در این قبیل فعالیت‌های اقتصادی برای بشر است و لذا اینها ماندگار و با ارزش تلقی می شوند.

## ۲-۶ آسیب شناسی بحران، تورم بخش غیر حقیقی

توسعه اقتصادی بارآور حوادثی در نظام معیشتی بشر است که از همه مهمتر و شاید مغفول تر رشد و تورم بخش اسمی (غیرحقیقی) اقتصاد در مقایسه با بخش حقیقی آن است. این بخش در اقتصاد سرمایه داری بشدت متورم و بزرگ شده است. در بخش قبلی این

مفهوم تعریف گردید. بخش مالی و پولی، فعالیت‌هایی چون معاملات کاغذی، بخش غیر ضروری توزیع در بازار خدمات، سفته بازی، دلالی، ازدحام و کثرت بی حد و حصر مؤسسات واسطه مالی، پولی، پولشویی، بورس بازی غیر کالایی و از این قبیل از اجزای برجسته بخش غیر حقیقی اقتصاد سرمایه داری هستند. اگر درست به تعریف پدیده خلق کالا و خدمات توجه شود، می‌توان بخش غیر حقیقی را این چنین معرفی کرد که نقش مستقیم و مفیدی در تولید کالا یا خدمات ندارند. البته برخی فعالیت و وجود نهادها به اصطلاح فقهی در حد واجب کفایی لازمند. مثلاً احتساب بخش زائد توزیع در اقتصاد کشور ما به دلیل سهم بری این واسطه‌ها در چرخه از تولید تا مصرف است. عملاً هیچ گونه ارزش افزوده‌ای ایجاد نمی‌کنند ولی سهم هنگفتی از ارزش افزوده را برمی‌دارند. سود غیر متعارف و هنگفتی که بدون هرگونه فعل مثبتی عایدش می‌شود به همین دلیل است که از منظر شخصیتی اسلام شناسی چون شهید دکتر محمد بهشتی سود غیر متعارف در اسلام در حکم ربا تلقی می‌شود. (بهشتی، ۱۳۸۷) از خصوصیات دیگر این بخش سایه و مجازی منعطف بودن، موج‌آفرین، سبک، سریع، فرار، رویین، سرعت گردش پول، جریان ساز فیزیکی، جریان ساز روانی و محرک است.

در عوض بخش حقیقی زیرین، سنگین، کند، موج‌پذیر و تحرک کمتری دارد. لذا این دو بخش همچون دولایه می‌مانند که در نظام اقتصاد چنبره زده اند و مطابق قانون خلقت کارکردی چون آب و کف دارند. به مصداق قرآن کریم زبد در رو قرار می‌گیرد. بخش غیر حقیقی نیز در رو قرار می‌گیرد و جریان سازی اش باعث گول زدن عوامل بازار و حتی انحراف مسیر بخش حقیقی می‌شود. علاوه بر بحران اقتصادی بزرگ سال ۲۰۰۸ که در مبحث پیشینه مطرح گردید بطور مثال جریان بورس بازی سال ۲۰۰۷ در بازار جهانی نفت مصداق بسیار روشنی از این پدیده باشد که بدون کمترین حرکت آغازگر از طرف بخش حقیقی عرضه و تقاضا، در چند ماه قبل بورس بازان دلال دفعتاً قیمت نفت را به ۱۴۷ دلار رسانده و مجدداً همین عناصر واسطه باز بدون هرگونه تحرکی در بازار عرضه و تقاضای حقیقی نفت، قیمت آن را به کمتر از ۶۰ دلار رساندند. شاید اگر غربیها به صفات متمایز این دولایه خوب توجه می‌کردند دوباره از این سوراخ گزیده نمی‌شدند، لذا با وجود عبرت‌های بزرگی چون بحران ۱۹۳۰-۱۹۲۹ متنبه نشده و از خواب "غفلت از ریشه‌ها" بیدار نشدند. حتی در کنفرانس‌هایی چون "برتن وودز" که دنبال راه حل‌هایی چون پشتوانه



پولی بودند اگر به ریشه‌ها توجه داشتند می‌بایستی دنبال پشتوانه دادن به بخش حقیقی اقتصاد می‌رفتند. بخش مجازی به دلیل عدم مشارکت اش در تولید کالا و خدمات حقیقی یک ماهیت خود کامه، قارچ گونه و زالوصفت شده است. در واقع این بخش (اگر از حد کفاف آن خارج شود) شریک سهم منافع و ارزش افزوده عوامل مولد در بخش حقیقی می‌شود. کارش سهم بری است، بدون اینکه مشارکتی در تولید داشته باشد. در واقع رشد بیش از حد این بخش اهداف اولیه تشکیل آن را زیر سؤال برده است. لذا رشد بی حد و حصر آن در اقتصادهای با ثبات و بنیان قوی به مرحله‌ای می‌رسد که این الگوها را نیز ابطال کرده است. یکی از دلایل اصلی این شکست همین غفلت از ماهیت اقتصاد سرمایه داری به ظاهر با ثبات ولی در باطن بیمار است که لایه مجازی (سایه) بر لایه حقیقی (پیکر) غلبه کرده است. پول اقتصاد را مدیریت می‌کند. بجای تبعیت سایه به سایه ی سایه از پیکر، پیکر دنباله روی محکوم سایه شده است. یکی از وظایف پول وسیله مبادله کالا به کالا، کالابه خدمت و خدمت به کالا و برعکس است. این وظیفه متکی به تعریف ثابتی از ارزش کالا در پول و بنابراین پول وسیله حفظ ارزش و ذخیره ارزش کالا و خدمت در خود است. طبق مثال در یک ساسله حلقه به هم متصل که یک زنجیر را تشکیل می‌دهند هر حلقه کالا با یک حلقه پول به کالایی دیگر باید متصل باشد. ولی در نظم نوین اقتصاد سرمایه داری بخش پولی و مالی (مجازی) تمام حلقه‌های پول را با پول دیگر و یا شبه پولی به صورت مجزا و مستقل از حلقه‌های کالا و خدمات حقیقی جمع کرده و کلاً سرنوشت خود را از بازار حقیقی کالاها و خدمات جدا و اعلام خودمختاری کرده است. در این بخش مجازی ارتباط و نسبت منطقی بین این دو براساس "موازن" وجود ندارد. نفع پرستی مرض اصلی این ساختار بی ضابطه است. در جوامعی چون اقتصاد ما نیز یکی از آثار متورم شدن و رشد غیر معقول بخش غیر حقیقی، که ماهیتاً به هر نحو ممکن نقش واسطه‌ای پیدا می‌کند، بروز عارضه خانمانسوز تورم و رشد مستمر سطوح قیمت‌ها است. زیرا رشد این بخش به منزله افزایش تعداد زیاد عائله و نان خور سر سفره‌ای است که قبلاً تعداد نان آن مثلاً ۱۰ قرص بوده و الآن نیز ۱۰ قرص است فقط سهم خورها بیشتر شده‌اند. لذا کار حتی به جایی می‌رسد که طبق قانون بازدهی نزولی افزایش و توسعه بی حد و حصر این بخش نه تنها ارزش افزوده‌ای در اقتصاد ندارد بلکه با کُند کردن و طولانی کردن مسیر فعالیت‌های اقتصادی بازدهی سایر بخش‌ها را نیز کاهش می‌دهد. اگر در قالب یک طرح تحقیقاتی

اقتصادی رابطه بین تورم و رشد بخش غیر حقیقی (که باید از آن به بیکاری پنهان یاد کرد که اندازه ای بسیار بزرگتر از بیکاری آشکار دارد) در اقتصاد ما بررسی شود نه تنها منحنی بلند مدت فیلیپس بلکه منحنی کوتاه مدت آن نیز در اقتصاد ما از نوع صعودی در خواهد آمد. به عبارت دیگر باید رشد بیکاری را در دل رشد بخش غیر حقیقی، سفته بازی، موسسات مالی و پولی و مشاغل کاذب پیدا کرد. در عوض بخش حقیقی کند است. تأسف بارترا اینکه این بخش در اقتصادهایی چون ما به دلایل مختلف گره های قانونی، اجرایی، عدم انعطاف و عدم اجرای بانکداری اسلامی در جهت تقویت بنیان تولید و طعمه اندازی بخش مجازی به خصوص فعالیت های دلالی و بازرگانی، کندتر و آهسته تر است. بخش غیر حقیقی سریع است و حتی بخش اعظم (شاید بیش از ۹۰ درصد) حجم پول و سرعت گردش آن با تحرک و عاملیت این بخش جریان سازی شده و زمینه ساز تورم قیمت ها است. در دو کفه ترازوی اقتصاد، در یک کفه بخش غیر حقیقی (بخصوص در اقتصاد ما) نقش جریان ساز پیدا می کند. در رابطه مقداری پول به راحتی می توان این پدیده را تفسیر و توجیه نمود. اگر چرخه زمانی راه اندازی یک واحد تولیدی با راه اندازی یک شرکت معاملاتی با هدف انجام واردات و صادرات که تنها با زمان حداکثر ۵۰ روز به بهره برداری می رسد، مقایسه شود بهتر می توان تفاوت دو وزنه، یعنی کندی چرخه ی تولید حقیقی در برابر سرعت طرف فعالیت های مواج و سرعت دهنده گردش پول یعنی بخش مجازی را در رابطه مقداری پول لمس نمود. دلال بازی در بازار مسکن در سالهای گذشته نمونه بارزی از نقش جریان سازی فیزیکی در بازار خدمات، کالاها، بازارهای مالی، پولی و سرمایه و از آن مهمتر نقش جریان ساز روانی و موج آفرینی است. در بحران ۲۰۰۸ در بازار امریکا مؤسسات بانکی و پولی رسمی و واسطه های پولی و مالی این نقش را بعهده داشتند. در بحران گرانی نرخ ارز و طلا در زمستان سال ۱۳۹۰ در بازار ما این نقش بیشتر بعهده عناصر غیر رسمی بازار بود و البته متأسفانه برخی از عوامل رسمی مالی و پولی نیز در این امر مخفیانه مشارکت داشتند. از این تأسف بارترا نویسندگانی هستند که کورکورانه به ادبیات دیکته شده در کتابهای اقتصاد سرمایه داری بسنده نموده و بدون آشنایی به ریشه های اقتصادی و اصلی بحران برای اقتصاد نسخه تجویز می کنند.

### ۳-۶ ماهیت سربار بخش غیر حقیقی

در بین تمام مشخصات بخش غیر حقیقی یک ویژگی بیش از همه جولان و جلوه دارد و آن وجود زمینه وقوع و شبهه ربا در گردش نوع معاملات در این لایه است. شاید کمتر در ادبیات موضوع آمده باشد و یا حتی با این بیان مطرح شده باشد، که اصولاً ریشه حرمت ربا در اسلام وجود اصل انقطاع معاملات ربوی از فعالیت های حقیقی است. وقتی اصل مشارکت در سود و زیان در قرارداد مضاربه فرض می شود، ریشه و فلسفه این فرض برقراری ارتباط معامله با وقوع یک فعالیت حقیقی تولیدی است. سهیم شدن در سود و زیان ناشی از این حقیقت است که در فعالیت حقیقی است که مشخص می شود که ارزشی تولید شده یا زبانی؟ در واقع اسلام تلاش می کند تا طناب تمام مبادلات و معاملات به خلق کالا و خدمت حقیقی وصل شود. اصولاً یکی از شرایط مبادله در اسلام معین بودن عین معامله است. در معامله ربوی این دو از هم بیگانه اند. قرض دهنده کاری به سود یا زیان معامله و فعالیت حقیقی ندارد. در کناری نشسته و طالب یک سهم از ناکجا آورده ای است. در حقیقت نه تنها از نظر فیزیکی از فعالیت تولید دور است بلکه همچنین از نظر حقیقی خود را منقطع می‌کند. اگر به اتفاقات اخیر در غرب توجه شود همین پدیده به وضوح اتفاق افتاده است. در حالی که بخش حقیقی در ثبات کامل و حتی در حالت آسایش و خواب و بدور از هر گونه تلاطم بود، یکدفعه طوفانی در بخش غیر حقیقی رخ داد و طومار اقتصاد غرب و سرمایه داری را در هم پیچید. وجود این تغافل در دولایه، ریشه در همین پدیده قبیح و مذموم ربا در بخش غیر حقیقی است که ماهیت "سربار" «زید روی آب» و «سایه سرخود» و «کاسه داغتر از آتش» پیدا کرده و سرخود راه خود را بدون توجه به بخش حقیقی که ولی نعمت اش هست، می رود. بنابراین ریشه دیگر بحران همین پدیده ربا در شالوده بخش و لایه غیر حقیقی اقتصاد سرمایه داری است. سربار بودن اشکال دیگری نیز دارد که خالی از شبهه ربا نیز نیستند. فعالیت های بازار سیاه در همین آشفته بازار بخش غیر حقیقی امکان اختفاء و استتار فعالیت پیدا می کند، در حالی که در بخش حقیقی شرایط کمتری برای اختفاء و نمو وجود دارد. در واقع به این پدیده باید «اصل استتار» نام گذاشت. در تحقیقات بعمل آمده معلوم شده که بخش اعظم اقتصاد زیر زمینی به بخش غیر حقیقی تعلق دارد. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۳) تعلیق برنامه استقرار مالیات بر ارزش افزوده در چند سال

گذشته با شروع حرکات ایدئایی همین بخش غیر حقیقی همراه بود. زیرا این بخش استعداد فرار از شفافیت در چرخه فعالیت‌ها و بنابراین استعداد فرار از مالیات دارد.

#### ۴-۶ الگوی اقتصاد اسلامی و عبرت‌های ما

امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: بدترین جاهای زمین بازارها است. بازار میدان شیطان است. اول صبح پرچم خود را در آن جا نصب می‌کند و تخت خود را می‌گذارد و فرزندانش را همه سو می‌پراکند به سوی کسی که پیمانانه را کم می‌دهد با آن که ترازو را سبک می‌گیرد و کسی که در گز (متر) کردن دزدی می‌کند یا کسی که برای فروش کالایش به دروغ متوسل می‌شود. او به فرزندش می‌گوید بر شما باد به فریفتن مردی که پدرش (حضرت آدم) مرده در حالی که پدر شما (ابلیس) هنوز زنده است. ابلیس با اولین کسی که به بازار می‌آید وارد می‌شود و با آخرین نفری که بازار را ترک می‌کند برمی‌گردد. و یا امیر المومنین علیه السلام می‌فرمایند: از پاتوق‌های بازارها بپرهیز که محل‌های شیطانند و عرضه گاه‌های فتنه‌ها و گمراهیها. (ری شهری، ۱۳۸۵) با در کنار هم گذاشتن این روایات و روایات تکریم فعالیت‌های تولیدی چون کشاورزی و صنعت و خدمات مفید با خاستگاه فعالیت‌های غیر رسمی، زیرزمینی، پنهان، نامنظم، سیاه و سایر مفاهیم و تعاریف آرایه شده که بدون تردید بیش از ۹۰ درصد آنها در حوزه بخش غیر حقیقی پرورده و رشد می‌یابند، نتیجه آشکار و صریحی عاید ما می‌شود. این نتیجه چیزی نیست جز اینکه در الگوی اقتصاد اسلامی رشد بخش غیر حقیقی در اندازه‌ای غیر معقول نکوهیده و ممنوع است. با این همه عبرت، ما چه اعتباری باید بگیریم (ما اکثر العبر و اقل الاعتبار) از این سخن رکن عالم وجود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چه بهره‌برداری باید کرد، به طور اجمالی یکی از مشخصات رکنی اقتصاد اسلامی بزرگ بودن بخش حقیقی است. اسلام ما را به فعالیت‌های تولیدی حقیقی چون کشاورزی دعوت کرده و جهاد تولید را به مصداق جهاد در راه خدا معرفی کرده است. فعالیت‌های دلالی و بازار سیاه و واسطه‌گری در اسلام امری نکوهیده و گاهی حرام هستند. در واقع به مصداق کوه یخ باید بخش اعظم اقتصاد را بخش حقیقی و تنها بخش کوچکی از آن در حد واجب کفایی به فعالیت‌های مفید مالی، پولی و واسطه‌ای اختصاص یابد که به توانند جریان فعالیت‌های حقیقی را تسهیل بخشند. اگر بخش غیر حقیقی بیش از اندازه درشت شود در اقتصادی چون کشور ما

با وجود زمینه‌های قبلی انتظارات تورمی، ترکیب ناسالم اشتغال، فشارهای خارجی، فشارهای داخلی و خارجی سیاسی-اقتصادی، الگوی ناسالم مصرف و غیره نقش آن به مصداق سم مهلک برای اقتصاد می‌شود. پدیده‌ای که اکنون در جهان غرب با کمک یله گذاشتن اقتصاد و به خصوص بخش مالی و پولی کمر اقتصاد کشورهای پیشرفته را شکسته است. در عوض بخش غفلت شده حقیقی را با کوتاه کردن فرآیند «از مرحله تقاضای سرمایه گذاری تا به بهره برداری رسیدن طرح تولیدی» باید به شدت تقویت نمود. تحقق این دو عمل در کنار هم، همزمان می‌تواند کلیه مشکلات اقتصادی چون تورم، بیکاری، ضعف زیرساخت‌ها، اتلاف منابع و پارانه‌ها و غیره را حل نماید. (ان شاءالله)

#### ۷- پیشنهادها

آسیب‌شناسی نظریه‌های رایج و مدل‌های کلان توسعه غربی زمانی محقق می‌شود که نسخه پیاده شده و نتایج کار آنها را با ارزیابی تطبیقی تجارب توسعه در این کشورها استنتاج نمود. تمدن اقتصاد لیبرالیسم با چالش‌های زیادی روبروست. دوچالش بنیادین موجود در کشورهای پیشرفته صنعتی در این مقاله بر شمرده شد. یکی بحران پیری جمعیت و دیگری بحران اقتصادی که ریشه در تورم بخش مجازی اقتصاد و ماهیت ربوی فعالیت‌های اقتصادی در بخش مالی و پولی است. اقتصادهای غربی شناخت آیه‌ای خوبی برای اقتصاد ما و طراحان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستند. آنها سالها ست در این منجلاب بحران فرو رفته و دستان خود را در سال ۲۰۰۸ به معنی تسلیم بالا برده‌اند. ما هنوز در زمینه کافی جهت کنار گذاشتن الگوهای تقلیدی لیبرالیسم اقتصادی را در بسیاری از اجزای و زیر بخش‌های اقتصاد ایران در اختیار داریم. و مهمتر از آن الگویی به نام اقتصاد اسلامی داریم که خوشبختانه در یک دهه گذشته ابعاد بسیاری از آن کشف و علم آن نیز تولید شده است.

پیشنهاد می‌شود:

در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نرخ رشد زادو ولدی بیش از ۲/۱ درصد پیش بینی و تمام سازو کارهای لازم برای تحقق این نرخ در اجزای الگو در نظر گرفته شود. در طراحی الگو با عبرت از ریشه‌های بحران مالی و اقتصادی غرب و آسیب‌شناسی اقتصاد ایران، بخصوص غالبیت و حاکمیت فعالیت‌های دلالی و مجازی در اقتصاد، جایگاه و

سهم بخش مجازی و بخش حقیقی را بر اساس الگوی اقتصاد اسلامی ترسیم و سهم بخش نهاد های اقتصادی عهده دار وظایف و عاملیت اجرایی را بر اساس قواعد فقهی و مبانی علم اقتصاد اسلامی طراحی نماید. کلیه فعالیت های شبهه بر انگیز و شبه ربوی که عموماً در قلمرو بازار پولی و مالی و بخش مجازی حیات پیدا می کنند باید ممنوع شوند. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با استخدام کارگروه بزرگی مرکب از اقتصاد دانان حوزوی و دانشگاهی خودباور و وظیفه طراحی و تدوین ابعاد اقتصادی را در الگو به عهده این گروه بسپارد.

نهادهای پژوهشی و آموزشی نهضت تدوین منابع بیشتری از سرفصلهای کلاسیک دروس اقتصاد اسلامی در ابعاد اثباتی و دستوری مورد استفاده در نهاد های دانشگاهی و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر پا نمایند و در این زمینه نهادهای مسئول حمایت های معنوی و منابع مالی لازم را فراهم نمایند

#### ۸- منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- بهشتی، شهید دکتر محمد حسین، (۱۳۸۷)، «بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام»، نشر بقیعه، تهران.
- ۴- حسینی، حاتم، (۱۳۸۳)، «درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده»، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- ۵- دو ژورنه، ژاکوب، (بی تا)، «جمعیت و توسعه پایدار»، فرهاد ماهر (مترجم)، مجموعه مقالات توسعه پایدار کشاورزی، پرتابل جامع علوم انسانی.
- ۶- سوری، علی و رضا کیهانی حکمت، (بی تا)، «متغیر های جمعیتی، هزینه های دولت و رشد اقتصادی» جلد سوم سیاستهای توسعه اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتابل جامع علوم انسانی، ص ۱۵۷-۱۴۱.
- ۷- سمیعی نسب، مصطفی، مرتضی ترابی، (۱۳۸۹) شاخصها و سیاست های جمعیتی در ایران»، فصلنامه برداشت دوم، سال هفتم، دوره جدید، شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲، تابستان و پاییز، ۱۴۳.
- ۸- شیخی، عبدالمجید، (۱۳۸۴)، «تطابق علمی نظریه عدالت اقتصادی اسلام با نظریه رشد، بهره‌وری و کارآیی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی، مولفه‌ها و مبانی سوم اسفند ماه ۱۳۸۴، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، انجمن علمی، اسلام و توسعه اقتصادی، تهران.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

- ۹- صادقی، حسین، رضا وفایی یگانه، حسن محمد غفاری، (۱۳۸۳) «گسترش اقتصاد غیر رسمی و تهدید فرهنگ اقتصادی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۲، ص ۸۶-۷۳.
- ۱۰- صدر، شهید آیت اله محمد باقر (۱۳۶۰)، «اقتصاد ما» جلد اول، محمد کاظم موسوی (مترجم)، انتشارات جهادسازندگی مشهد.
- ۱۱- عرب مازار عباس، علی کشوری شاد، (۱۳۸۴)، «بررسی اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی شماره ۱۵ بهار، تهران.
- ۱۲- کریستال، الک ک. و سایمون پرایس، (۱۳۷۶)، «اختلاف نظر ها در اقتصاد کلان»، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۱۷، تهران.
- ۱۳- گردنر، ویلیام، (۱۳۸۸)، «جنگ علیه خانواده»، معصومه محمدی، دفتر مطالعات و تحقیقات، زنان استان قم، قم.
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۵)، «منتخب میزان الحکمه»، تلخیص سید حمید حسینی و ترجمه حمید رضا شیخی، موسسه فرهنگی دارالحدیث، تهران.
- ۱۵- مدرسی، سید محمد علی، (۱۳۹۲)، «مبانی فقهی تغییرات جمعیتی»، مجموعه مقالات همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات مختلف جامعه، ۹ آبان ۱۳۹۲ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
- ۱۶- مرکز بهداشت استان قم، (۱۳۹۲)، «مجموعه پوستر های نمایشگاه تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات مختلف جامعه»، همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات مختلف جامعه، ۹ آبان ۱۳۹۲ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.

- 1- Ajakaiye, Olu and 'Tayo Fakiyesi,(2009 )," Global Financial Crisis Discussion Series Paper 8: Nigeria ",Overseas Development Institute, Department of Economics, University of Lagos , May.
- 2-Apps Patricia, Ray Rees, Margi Wood,(2007), "Population Ageing, Taxation, Pensions and Health Costs", AUSTRALIAN JOURNAL OF LABOUR ECONOMICS  
Vol. 10, No. 2, June 2007, pp 79 – 97.
- 3- Bloom, David E., David Canning, and Günther Fink,(2008)," Population Aging and Economic Growth", PROGRAM ON THE GLOBAL DEMOGRAPHY OF AGING  
Working Paper Series, Harvard School of Public Health, PGDA Working Paper No. 31, April.

- 4- Business Council of British Columbia Outlook 2020 project,( 2009 )," POPULATION AGING:ECONOMIC AND SOCIAL DIMENSIONS ", RKA, Inc , SEPTEMBER.
- 5-Capital Institute,(2013 )," Ethics, Economics, Finance, and Governance for the Anthropocene ", Third Millennium Economy Report,The Future of Finance A Working Paper of the Third Millennium Economy Project,August, Third Draft.
- 6- Carone, Giuseppe, Declan Costello,Nuria Diez Guardia, Gilles Mourre,Bartosz Przywara, Aino Salomaki,( 2005 )," The economic impact of ageing populations in the EU25 Member States ", European Commission , Directorate-General for Economic and Financial Affairs, December ,Number 236.
- 7- Chandrasekhar C.P.,(2002)," Finance and the Real Economy: The Global Conjuncture", Jawaharlal Nehru University, Centre for Economic Studies and Planning, New Delhi 110 067.
- 8- Constâncio, Vítor,(2013 )," The European Crisis and the role of the financial system", Vice-President of the ECB, at the Bank of Greece conference on "The crisis in the euro area" Athens, 23 May.
- 9- Constantin ,Jonut,(2008)," The impact of virtual world economy in real world economy ", Faculty of Administration and Business - University of Bucharest, Manager,No.7, PP.39-45.
- 10- Declan Costello, Gert Jan Koopman, Kieran Mc Morrow , Gilles Mourre, István P. Székely, Alexandr Hobza, ( 2009)," The negative impact of the financial crisis on potential output necessitates an EU-led policy response",15 July,( <http://www.voxeu.org/article/eu-reforms-increase-potential-output>)
- 11- Denton ,Frank T. and Byron G. Spencer,( 1998)," Economic Costs of Population Aging", McMaster University, IESOP Research Paper No. 32, December.
- 12- Economic Policy Committee and the European Commission (DG ECFIN),(2006)," EUROPEAN ECONOMY- The impact of ageing on public expenditure: projections for the EU25 Member States on pensions, health care, long-term care, education and unemployment transfers (2004-2050)", Economic Policy Committee and the Directorate General for Economic and Financial Affairs of the European Commission, ([http://europa.eu.int/comm/economy\\_finance/epc/epc\\_publications\\_en.htm](http://europa.eu.int/comm/economy_finance/epc/epc_publications_en.htm))



- 13- Eichengreen, Barry and Kevin O'Rourke (2009), "A Tale of Two Depressions" VoxEU.org, 1 September.( February 2010 update), Published on vox (<http://www.voxeu.org>)
- 14- Gray ,Alastair,(2005)," Population Ageing and Health Care Expenditure", University of Oxford, Oxford Institute of Ageing, AGEING HORIZONS,Issue No. 2, pp.15–20.
- 15-INSG Insight,(2008)," THE FINANCIAL CRISIS: IMPACT ON EXPLORATION ",INSG SECRETARIAT BRIEFING PAPER No. 3, December.
- 16-Johnson Richard W. and Janice S. Park,( 2013 )," Labor Force Statistics on Older Americans ", URBAN INSTITUTE, Retirement Security Data Brief, Program on Retirement Policy, Number 8, January.
- 17- Jong-il Kim,(2001)," Total Factor Productivity Growth in East Asia: Implications for Future Growth ", Department of Economics, Dongguk University, Seoul, Korea, April.
- 18- Kinsella, Kevin and David R. Phillips (2005); Global Aging: The Challenge of Success,Population reference Bureau; Population Bulletin ,Vol. 60, No. 1 2005.
- 19- Laeven Luc and Fabian Valencis,(2008) "Systemic Banking Crises: A New Database," International Monetary Fund Working Paper, WP/08/224, Washington, DC, November .
- 20-Lauretta, Eliana,( )," Finance and Growth: understanding the switch from "Virtuous" to "Bad" Cycles in the finance-growth relationship ", Catholic University of S. Heart, Milan, Postgraduate Research Fellow, Birmingham Business School, University of Birmingham.
- 21- Lee, Ronald, Andrew Mason and Daniel Cotlear ,(2010 )," SOME ECONOMIC CONSEQUENCES OF GLOBAL AGING ",The World Bank, Health, Nutrition and Population (HNP) Discussion Paper.
- 22- Leonardo Burlamaqui,.Dimitri B. Papadimitriou,(2011)," The Ford–Levy Institute Project on Financial Instability and the Reregulation of Financial Institutions and Markets ", 20th Annual Hyman P. Minsky Conference on the State of the US and World Economies,- Financial Reform and the Real Economy, A conference organized by the Levy Economics Institute of Bard College, April 13–15, 2011, New York City.

- 23- Ioan Nistor, Ulici Maria,(2013 )," IMPACT OF FINANCIAL CRISIS OVER THE COMPANIES OF BET INDEX COMPOSITION ", 187 Investing in people! PhD scholarship, Project co-financed by the European Social Fund, SECTORAL OPERATIONAL PROGRAMME HUMAN RESOURCES DEVELOPMENT 2007 – 2013 Babeş-Bolyai University, Cluj-Napoca, Romania.
- 24.-Morrow K. MC & W. Roeger,(? )," THE ECONOMIC CONSEQUENCES OF AGEING POPULATIONS -(A COMPARISON OF THE EU,US AND JAPAN) ",Directorate-General for Economic and Financial Affairs (ECFIN) of the European Commission.
- 25- Ramona POPA, Lucia,( 2009 )," The Impact of Economic Crisis on Direct Foreign Investments ", The Annals of “Dunarea de Jos” University of Galati, Fascicle I – 2009. Economics and Applied Informatics. Years XV – no 2 - ISSN 1584-0409, Universitatea “Constantin Brancoveanu” Pitesti Facultata Management Marketing in Afaceri Economice,pp 101-108.
- 26- Stiglitz, Joseph,E.,(2010)," Freefall: America, Free Markets, and the Sinking of the World Economy" , W. W. Norton & Company, January.
- 27-Székely, István P.,Paul van den Noord, 6 October( 2009)," Economic crisis in Europe: Cause, consequences, and responses–A report by the European Commission",(<http://www.voxeu.org/article/economic-crisis-europe-cause-consequences-and-responses>)
- 28-United Nations Population Division.( 2009)," World Population Prospects: The 2008 Revision". New York:, United Nations.
- 29- United Nations,(2011 )," World Economic Situation and Prospects 2012- Global economic outlook ", New York.
- 30- World Bank,(2013)," Mitigating the Economic Impact of an Aging Population: Options for Bulgaria- Poverty Reduction and Economic Management Europe and Central Asia Region ", August, Document of the World Bank.
- 31- Xiang, Songzuo,( ),"Searching for an anchor of the International Monetary System- A Case Study of RMB exchange Rate ", the

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر کاوی معانیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده بهشت و خرداود ۱۳۹۳

BRICS & Asia, Internationalization, and International Monetary System Conference ,December 10-11 Hong Kong.